

قیام امام ایران

ز نظر شورای نویسندگان

هادی بزاز

در حاشیه کتاب رابرت هایزر

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

مأموریت در تهران

رسیده و این سوی کتاب های بسیاری است که در هر یک، فصل یا فصل هایی به "انقلاب ایران" اختصاص یافته است. در جمع نویسندگان کتاب ها، از روی سالی کشورها و دولت مردان عالی رتبه تا مفسران طراز اول، کارشناسان مؤسسه های تحقیقاتی استراتژیک، استادان دانشگاه و متخصصین برجسته در مسائل خاورمیانه و ایران و حتی ماء موران اطلاعاتی و امنیتی و خلاصه از تمام قشرهای سیاست - پیشه یک یا چندجبهه را می توان یافت. ولی حقا "باید گفت که کتاب ژنرال رابرت هایزر، معاون سشین فرماندهی نیروهای (نا تو) و امیرفلا باز نشسته ارتش ایالات متحده، گویای هر چه بشود در این روزهای ایران است. روزهایی که در آن سینی گرفته است بر سر آبروهای ریحان دارد و دلیل عمده بر این است که نویسنده نه در مقام ناظری که از کنار رحنه نگاه می کند و یا تحلیلگری که ناچار است مملو با خود را از اطلاعات این و آن بدست آورد و نه حتی در موضوع شخصی که بنا بر تمام تف در جریان واقعه ای قرار می گیرد، بلکه بعنوان یک مأمور برجسته که موظف است بر جریان حوادث اثر بگذارد، به نقل مسامحه ای و روایاتی بنسبت است که مسلما "بدون آگاهی از آن ها، هرگونه تحقیق در غلغل فاجعه ای که ایران و منطقه را به آتش کشیده است، ناتوان می ماند.

بقیه در صفحه ۲

در تحلیل فاجعه ۵۷ (۱۹۷۹) - گذشته از مقاله ها و رساله های بسیار، تاکنون بین ۲۵ تا ۳۰ اثر مستقیم بقلم نویسندگان خارجی و عمدتا "امریکایی به باور کتاب

حینلی مشکان

حکومت شیطان

و حکومت روحانی!

از روحا بدون ساخته نیست. مرحوم باکروان، نظریه تربیت خاصی که داشت تئورمی کرد هر آخوندی ایسا در غفاری و شیخ مرتضی انصاری است. نمی دانست آخوندهای هم بیدا می شوند که در درغلکاری و دروغگویی سلطان را درس می دهند و وقتی وارد گود سیاست شدند تا زده معنی دغل و دروغ را دنیا خواهد فهماند.

بقیه در صفحه ۱۲

اما آنچه شگفتی دارد این است که کیهکاه خوشبایران و ساداندیشانی چند، در دام این شیرنگ می افتند.

بقیه در صفحه ۳

سیاست بین المللی

واراده ملت ایران

رژیم تهران برای بیسرون آمدن از بن بست که در آن افتاده، تلاش مکرری را آغاز کرده است. هدف او نجات خویش است، اما دست و پا زدنهای او به جای آنکه به نجاتش بینجامد، کشور را بدست بیستی می کشاند. امروز اوضاع بین المللی، چنان که آشکارا می بینیم، آشفته تر از آن است که دستی از گوشه کشوری برای نجات رژیم در سرزمینی دیگر برآید و کاری از پیش ببرد. با این همه رژیم تهران که هنوز هم خود را بیگانه نه سبب ترین حکومتها ی جهان نشان می دهد، در عین حال می خواهد چنین وانمود کند که بیگانگان همگی - از کوچک و بزرگ - سوزش غفلت های گذشته را می خواهند دست یاری و دوستی به سوی او دراز کرده اند.

ولی چون نیک بینگری، تصویر درست عکس این است. این رژیم تهران است که در تلاش عیب برای نجات خویش - چه از گرداب جنگ و چه از گرداب بحران اقتصادی - به دست و پا افتاده، این در و آن درمی زند و در بیوزگی می کند. رفته رفته برای نجات آوردن اسلحه آمریکا می که در زمان تا خریده شده بود، فقط گریه نکرده، وی در سخنرانی نماز جمعه ای روزه آمریکا گفت: اسلحه دارد در انبارها ی نمازگزار می خورد، پولش را هم که گرفته اید، بس چرا آن را تحویل نمی دهید؟

با وجود این، به ازاء خرید مصلحتها ی چند، جمهوری اسلامی دلارهای تازه نفتی به حسابی در بانک سویسی ریخت و هیچ بد روی خود دنیا ورد که پول سلاحها در گذشته پردا خسته شده بود.

بدیهی است که دولت های جهان می خواهند از راه فترین و بیرونق ترین بازار اسلحه های که جنگ جمهوری اسلامی با عراق بوجود آورده است، سهمی هر چه بیشتر داشته باشند. و شگفتی ندارد که جمهوری اسلامی در مدد است این گرمی با از اسلحه راجستان جلوه دهد که گوئی با از سیاسی خود او بدنا زگی گرم شده است.

روزنامه ملیت:

قائان سربازان نهضت مقاومت ملی شناخته شدند

سرهنگ حاد منقر در ا به قتل رساند. اعضای گروه تروریستی رژیم اسلامی به نام های سروان محمد قزاق، کابورانی و زنی بنام اباحه قسری بنا به گزارش مسئولان امنیتی ترکیه، خانه های متعددی برای اختفا و طرح ریزی عملیات تروریستی در اختیار داده است. آن ها پس از انجام آخرین ترور خاک ترکیه را به سوی جمهوری اسلامی ترک گفته اند.

بقیه در صفحه ۳

یک گروه مسئول عملیات تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی در ترکیه توسط پلیس این کشور شناسایی شد. این گروه که متهم است به تخریب از مخالفان رژیم خمینی - اعضای نهضت مقاومت ملی ایران - را در ترکیه به قتل رسانده است. متشکل از سه تن از مسلمانان سورانی اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی است. این گروه تروریستی در یک سال گذشته سه تن از مبارزان نهضت مقاومت ملی ایران، سرهنگ عزیز مرادی، سرگرد شاهوردی لسو

دیپلماسی دروغ

در صفحه ۳

رسالت انقلاب اسلامی!

در صفحه ۴

ملی گرایی خلاف اسلام است

رده های گوناگون، از اوائل انقلاب اسلامی تا کنون، مرور کنیم، به این نتیجه می رسیم که ملت در سلسله مبارزات سیاسی و اجتماعی این رژیم از اهمیت برخوردار نیست.

آیت الله خمینی، در همان روزی که در حدود یک میلیون ایرانی بیزار از رژیم پهلوی مدق کرده آمدند، گفت که "ملی گرایی خلاف اسلام است". این گفته خمینی پس شعار ملی جماعت حزب الله علیه علیهم السلام است و بدین معنی در تهران و شهرستان های ایران را بسیار کرده.

محمد حسین بهشتی در سخنرانی هفتاد و بیست و هشتاد و یکمین نشست ملیت را به عنوان امری عرضی در برابر مذهب به عنوان امری ذاتی معرفی کرد. بی گفت ملیت، اگر نتوانست خود را به دین سازگار کند، تحمل نپذیرد. اما اگر نتواند انسان میان این دو یکی را انتخاب کند، در انتخاب دین و کنار نهادن ملیت درنگ روا نیست. نتیجه می گرفت که انقلاب اسلامی انتخابی است اما "دینی است و بدین معنی در ایران فقط نقطه حرکت جغرافیائی آن را تعیین می کند. می گفت رسالت انقلاب اسلامی، جهانی است و ناسیونالیسم ایران اگر به این رسالت لطمه نزنند، دست کم حرکت آن را کند نخواهد کرد، و به هر حال باید آن را در سایه فرا موشی گذاشت. محمد علی رجائی، نخست وزیر و رئیس جمهوری پیشین اسلامی، در گراما گرامت گفت که: ما برای یک تکه خاک نمی جنگیم، برای اسلامی جنگیم.

بقیه در صفحه ۱۱

مکانیسم سیاسی ایران

حکومت ریگان با نخستین بحران سیاسی خود، که در عین حال بزرگ ترین بحران آن نیز هست، دست و پنجه نرم می کند.

برخی مفسران، این بحران را با بحران واشرکت کهنیکون را به کام کشید، با بحران گروگان نگری که کار رتور از نفس انداخت، مقابله می کنند. هنوز روشن نیست که بحران کنونی حکومت آمریکا چه ابعا دودا منهای خوا هدایت و پیامدهایش بدقت چه خواهد بود، ولی هنگامی که حکومت ای قدرت آمریکا دستخون بحران جدی می شود، نورافکن ها بر آن بیشتر از آن می تابند که روی دیگر کسه در رسانه های همگانی جلوه خندان کند. در مورد اخیر، روی دیگر که همان تیرد فدرشی است که در جمهوری اسلامی از مدت ها پیش وجود داشت و اکنون، در برتو رویدادهای تازه، ابدا دی برجسته تر و خلوطی روشن تر شده است.

بقیه در صفحه ۴

محرک بر خاسته از وطن - زنده باد ایران

بقیه از صفحه ۱

انگلیس و آمریکا را بین کتاب درسی (حتی پیش از نشأ آن در آمریکا) و توجیهی که در وسایل ارتباط جمعی این کشورها برانگیخته است خوددلیل اعتبار و ارزش مطالبات و جنبه‌های مثبت آن در مقامی با سایر کتاب‌ها می‌باشد است و به نویسنده حق می‌دهد که تا ادعا کند از مجموع آثار رومفاتی که در دسترس قرار می‌گیرد جمع آوری کرده و خواننده فقط ۲۰ درصد مطالب آن‌ها را مطابق واقع یافته است.

مراحت، وسواس در شرح موبسوسی برخورد ها، بیطرفی محض در تقصایات، نشانه‌های آشکار از نظام فکری درکشف ارتباط و قیاس، تمساح و برزنتیسم از ناسامانی‌های حاکم بر مروج جمع تصمیم‌گیری در دستگاه دولتی کارتر و به موازات آن حکایات تکان دهنده از تزلزل روحیه خودباختگی سران سطح اول ارتش ایران که اندیشه‌های جزیرانگیز از جمله در سرپرورده اندوسرا انجام توصیفی جاندار از فروریختن لحظه به لحظه بناش که به ظاهر پرشکوهره و آراسته است و به باطن پوسیده و پست است. به کتاب چنان ارجح و اعتباری می‌بخشد که اگر نویسنده به جای عنوان کنونی اش، عنوان پر جنبه و سنگین، "مثلاً" را سقوط یک نظام را انتخاب می‌کرد، بیانه‌ای برای ادعا و اعتراض در میان نبود. بلکه تا گفته معلوم است که انقراض رژیم تنها معلول حوادث آن چند هفته نبود، از عوارض زمینی ریشه می‌گرفت که هر کدام طی سال‌ها به سهمی در پویا شدن بنا نشی داشته اند ولی یک خواننده هوشمند، در همان تصویر دقیقی که کتاب از جو فرماندهی ارتش (تنها اسرار اقتدار و دوام رژیم) به او می‌دهد، خود سرشته‌ی تحقیق را پیدا می‌کند و به سادگی می‌رسد.

ها بزرگ، بی آنکه خود به تقاضای وحتی استنباط قاطعی نسبت به کل نظام برسد، با روان‌ترین اسلوب و وقایع نگاری علل درونی و بیرونی انفجار را می‌شکافد و ذهن خواننده را در قبول این واقعیت سیراب می‌کند که: بی مایگی و پوسیدگی و غلبه روحی و ابستگسی و بخصوص سرور انگلی و محرومیت از آراه و قدرت تصمیم‌گیری و در نتیجه رسوب در عوالم جالبوسی و عشق مطلق به خودنمایی و ترفیع - در بالاترین سطح فرماندهی ارتش - عامل اصلی باز شدن دروازه‌ها به روی فاجعه بوده است.

آن‌ها که با سخن بلندمولوی آشنا می‌دارند، وقتی کتاب را تا آخر می‌خوانند و برهم می‌گذارند، با مصادیق تازه‌ای از تشبیه‌زندی و آشنا می‌شوند که بر اساسی "ماهی از سرگند کردن زدم" نویسنده در آن هنگام معادلت انگلیس و یک فرمانده نیروهای "نا تو" را به عهده دارد. روز چهارم ژانویه (۱۹۷۹) ساعت دو با مصادیق تلفظی به او اطلاع می‌دهد که "تا فردا بعد از ظهر باید در تهران حضور داشته باشی". هیچ به انجام چنین مأموریتی به وسیله‌ی معاد و خود را غیب نیست ولی به اجرای دستور رئیس جمهوری نیز تا چاره است، و اما انتخاب‌ها یزید برای چنین مأموریت سنگینی، بی سبب نیست. با ارتش ایران و بسیاری از فرماندهان آن آشنا می‌دارد. وظیفه‌ی او در این مأموریت ابلاغ پیام رئیس جمهوری و تعقیب آن است. کارتر معتقد است که سقوط رژیم ایران برای منافع استراتژیک ایالات متحده مخاطره انگیز است. "ها بزرگ موظف است از قول رئیس جمهوری به فرماندهان ارتش اطمینان بدهد" آمریکا از دولت و سران ارتش بی دریغ حمایت خواهد کرد.

زیبا جیمی کارتر و یازدهمین رئیس‌جمهور آمریکا که کلید معمای ایران تنها ارتش است. "بدین صورت تمهید" ها بزرگ در یک جمله خلاصه می‌شود "حفظ ارتش ایران و آنگاه" دعوت از ارتش به پشتیبانی از دولت "اما ما موراتسجام در اولین برخوردها و کاتسها احساس می‌کند، هیچ چیز هیچ جایی بهنجار نیست. شهر متقلب، شاه که در وسایل را در یک کفش کرده است و می‌خواهد کشورش را ترک کند، تقاضای محض میان باورها و روش‌های غیرورثی جمهوری کشور خود او و از همه شوم‌تر، آشفتگی و هراس و روحیه درهم‌شکسته فرماندهان ارتش، هر کدام کافی است تا ژنرال، اگر نه بر شکست مأموریت، لاقابل دولتی و دشواری تعهد خودمقیقین کند. هر چه پیش‌تر می‌رود، بیشتر به عمیق نارسانی‌ها و نا هنجاری‌های می‌برد،

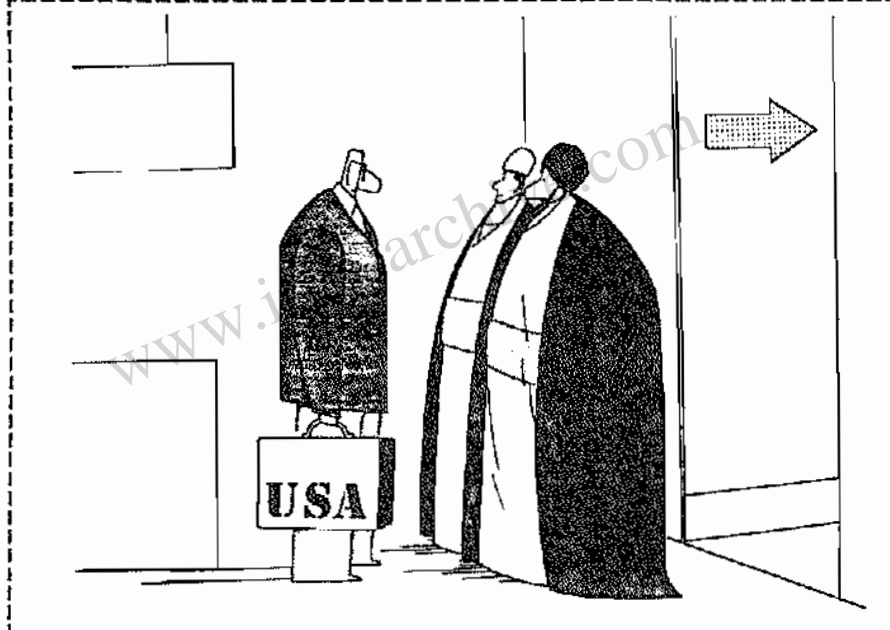
در حاشیه کتاب رابرت هایزر

مأموریت در تهران

ضمن اولین دیدار با سالیوان (سفیر وقت آمریکا)، احساس می‌کنم که "سفیر" از مأموریت او ناراضی است، در همان لحظه که با او مشغول دست دادن است، تا مای هم در دستش می‌گذارد، سالیوانس (وزیر خارجه) در این نامه پیام داده است "تا اطلاع ثانوی به هیچ کاری دست نزنید". "ها بزرگ از این پیام جا می‌خورد ولی پیدا است که "سفیر" آنقدرها از این "سفارش" ناخشنود نیست. معظدا وظیفه‌ی خود را با اودر میان می‌گذارد، با زحمت موافقی نمی‌بیند و بعکس سفیر را خون سردی به او می‌گوید: "ارتش متلاشی است، کاری از پیشش نخواهد بود، بختیار هم برای تشکیل کابینه بی‌پوده تلاش می‌کند چون شکست خواهد خورد".

برای ها بزرگ مخصوص این جمله آخر شگفت‌انگیزتر است چرا که "بختیار ره‌نور

برداشت بختیار را این بوده است که "در وا شنگتن سیاست روشنی وجود ندارد، اطلاعاتی که توسط سفیر آمریکا، سی.آی.ا. و دیگران و در آن او از ژنرال ها بزرگ جمع آوری می‌شود و به روی میز کارتر می‌رسد، هر کدام دیگری را خشنود می‌کند، "عجیب است که حالا (یعنی چند سال پس از واقعه) ها بزرگ استنباط را به صورت نقل از یک واقعه‌ی مسلم با الفاظی مشابه مطرح می‌کند: "در اولین جلسه سفارت متوجه شدم وزارت خارجه‌ی آمریکا، بنتا گون، کاخ سفید و سفارت آمریکا در تهران از حوادث ایران هر کدام تعبیر خاص خود دارند، "با این همه ژنرال، همچنان در اندیشه‌ی راه‌جویی است بنا بر سفارش رئیس جمهوری تا چاره‌ای در خط خود براند؛ با تک تک فرماندهان ارتش بگفتگویی نشیند، به احتمال زیاد



(چنانکه از فحواي نوشته‌ی او بر می‌آید) پیش‌فکر کرده است که اگر بتواند ارتش را جمع و جور و آماده کند، خود بخود موفق خواهد شد، تفاهد های موجود را نیز حل کند ولی متفانه از همین جا است که با صحنه‌های عجیبی از خودباختگی و تزلزل روبرو می‌شود و احساس می‌کند که "کلید معما = ارتش" خود به معمای پیچیده‌تری تبدیل شده است.

کتاب ها بزرگ اساساً "نوعی وابسته از روشن‌ترین انواع" وقایع نگاری و "ظاهر نویسی" است، بی‌طبیعی است اگر به جستجویی دست یابی به ریشه‌ها و عوامل نهادهای فاجعه وارد نمی‌شود، ولی در همان خط "وقایع و خاطرات" آنقدر دقیق و گویا و شگرف است که پیش‌پا نی رود که زحمت عمده‌ای برای علت‌یابی باقی نمی‌گذارد. ها بزرگ آشنا می‌شود که پیش از این به وضع ارتش پیدا کرده، آنگاه است که "اگر شاه مملکت را ترک کند، امیران ارتش او نیز خواهد رفت زیرا نه تنها درجه و قدرت که حتی سلامت جان خود را هم منوط به وجود و حضور شاه در ایران می‌دانند" و بی درنگ نتیجه می‌گیرد: "با رفتن شاه و ژنرال‌های ارتش مضمحل خواهد شد".

او با سخنان روحی امیران شاه آشنا است و مثلاً می‌داند: "غرور مغرور در حدی که در هیچ نقطه‌ی دیگری دنیا نظیر ندارد در همان حال میل به فرار از مسئولیت که این یک نتیجه‌ی هراس‌ناکه است و اینکه ننگ قدیمی خلاف سلیقه‌ی او بردارد" مفت متشکر تمام آن‌ها است. ها بزرگ با این اطلاعات قلبی است که مخصوصاً در گریه‌ها را صراحتاً به ترک مملکت، تشدید ضعف "فرماندهان" ارتش او را حدس می‌زند ولی فقط هنگامی که رویا روی با آن‌ها بگفتگویی نشیند، بی‌بی برد که در حدس خود کسرا آورده است، زیرا آنچه به حضرت داده، حالتی ما فوق ضعف و خودباختگی است. سئوالات آن‌ها گاه چنان برت است که

آشکارا از گسیختگی‌های روانی ایشان روایت می‌کند. در متن‌ها شان دقیقاً آثار اختلالات عصبی نمایان است. گوئی خمینی در خاک آمریکا دست به انقلاب زده است، به طعنه‌ها یزید، آن هم بتکرار و تکرار سؤال می‌کنند: "این آمریکا کیبیر چرخ خمینی را خاموش نمی‌کند؟"

از سخن پراکنی‌های (بی.بی.سی) سخت ترسیده اند و ازها یزید منتظر دارند کاری بکنند تا دهان بی.بی.سی دوخته شود. "پنجمین ارتش دنیا" به کلی از کار افتاده است، سوخت ندارد، طی سال‌ها هیچ یک از سرداران فکرنکرده است که اگر اعضا بی سرکوفت و جادشده‌ای رخ دادونفت را خوبانند، تکلیف این انبوه ماشین‌های جنگی و به قول راجستان "خودروها" چه خواهد بود؟ بی‌این جا هم با یزید ازها یزید منتظر دارند ایران سوخت ندارد؟ - اتفاقاً در این مورد اقدام فوری‌ها بزرگ برای انتقال سوخت به وسیله هرکولس‌های آمریکا (از عربستان سعودی) تا حدودی مشکل را حل می‌کند ولی امثال این قدم‌ها برای جنبان کردن سرداران کافئ نیست (آمریکا با یزدخمینی را بخواباند). زبان خدا حافظی و "ترک ولایت" است، همه می‌خواهند بروند و ژنرال تقی‌لا می‌کند، این جمع در مانده را آرام کند و در جای خود نگاهدارد.

انهدام شاه‌گردیک مورد فوق العاده ظاهراست. ها بزرگ نظر می‌راند را در باره بختیاری خواهد بود. پاسخ‌ها مشابه ولی به با هم آمیخته است. تقریباً هم‌شان به شجاعت او و باور دارند. فرماندهی نیروی هوایی معتقد است که "او مرد نیرومندی است ولی با وجود این که طوفان لحظه به لحظه شدت می‌گیرد و مملکت را به لبه‌ی پرتگاه می‌کشد، نگارانی بزرگ حضرات این است که نکند بختیاری خواهد در کارهای ارتش دخالت کند" وحشت آن‌ها درست! ز ظهورشرا قطعی است که اگر برقرار بود، کار به این مصیبت و درماندگی نمی‌کشید.

ها بزرگی آنکه از شبیه‌نگارش خود منحرف شود. در همان قالب نقل خاطرات تصویر فوق العاده روشن از کل نظام بدست می‌دهد، نظامی که تا روبرو هستی یک ملت را در یک نقطه زده است و پیدا است اگر گریه‌ها زود، همه چیز فرومی‌ریزد. چنین نظامی بنا بر طبیعت خود آسیب پذیر است و لوبی‌راغ و روغن، استوار و پویانها ر جلوه‌اش دهند.

ارتش جزئی از این نظام بود که در عین حال پاسداری از آن را نیز بر عهده داشت ولی زیارت شیر تقسیم عوارض فرود سالیاری علی رغم پیش‌بینی خود از همه اجزا" دیگر پوسیده تر شده بود. گفتگو بگریه ارتش از توانائی‌های فوق العاده‌ای بهره داشت. سطوح زیرین ارتش با لقمه شیرومندها و کاساز بود (و این را بعداً در تمام زمینه‌ها به وضوح ثابت کرد). اما در بیگانه‌تر فرماندهی هرگز فرضی نمی‌داد تا آن ظرفیت‌های بالقوه، با فعل شود. ها بزرگ در نقل گفتگوئی واقعیت در دنیا کی را بر ملا می‌کند: به مخاطب خود می‌گوید:

- در این موقع حساس ارتش باید مسئولیت خود را بجا آورد. و جواب می‌شود: - شاه فقط یک انسان نیست، او همه‌ی مملکت است.

امیر ارتش "واقعیتی" را بیان می‌کند ولی از فهم واقعیت دیگری عاجز است که: (کانون مصیبت همین جا است). وقتی بنا می‌شود که ستون بنده می‌شود، با شکستن همان ستون سراپا فرومی‌ریزد. ها بزرگ در مدت اقامت خود هرگز حتی لحظه‌ای با بختیاری روبرو نمی‌شود و این نکته‌ای است که بختیاری را باورها و باورهای هفت سال پیش تا کنون هر زمان که سئوالی در زمینه‌ی مأموریت ها بزرگ مطرح شده، با قاطعیت بر آن تاکید کرده است ولی پیدا است که نه آن قاطعیت و نه این تاکید، هیچ یک لاف زن منفرض را از خلعت زشت خود با زنده‌اشده است. باید پذیرفت ظهور چنین موجوداتی نیز خود میراث همان نظامی است که حکایت "از اصول" را تحریر می‌کرد و بی‌شک اصل خدشنا پذیر خود "میدان میداد، اصلی که بموجب آن: بریدن زبان نسیسای حقه در شما روایات قرار می‌گرفت. چه بسیار رشیدیم که گفتند: "ها بزرگ بختیاری خراج شاه را طرح ریختند" چه فراوان لاف‌نکرده "کار خترها یزید را

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

سیاست بین‌المللی

و اراده ملت ایران

پنجمه از صفحه ۱

خمینی به نمایندگان سرکنش مجلسی سلامی خود گفت: مگر نمی بینید که آمریکا و فرانسسه (شوروی) برای نزدیک شدن به جمهوری اسلامی روی دست یکدیگر بلند می شوند... پس شما چرا سرکنشی مکنید؟

امروز دولت ها، سواي کوشش برای بریدن سهمی از با زار داغ اسلحه، به گفته صریح خودشان می خواهند دوره پس از خمینی، در ایران حضور داشته باشند.

دکتر بختیار، در آن روزها که رژیم اسلامی از روابط عادی بین المللی برخوردار بود، در برابر آن قدره فرار شد، و امروز که رژیم در برابر همه زانومی زندتا جیره بخورونمیرا سلحه و خواربیا روموا دخام را بدست آورد، به طریق اولی عزم خود را برای مبارزه با آن تار سیدن به نتیجه نهایی جزم کرده است.

قطعه نامه در باره

جنگ ایران و عراق

فراکسیون با رلمانى حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، در آخرین جلسه ماه نوامبر خود تمویب کرده که قطعنامه زیر دربار جنگ ایران و عراق، برای تمویب، به سایر فراکسیون های پارلمانى پیشنهاد کرده:

از سال ۱۹۸۰ جنگ ایران و عراق ادامه دارد و تا بحال صدها هزار انسان بی گناه در این جنگ کشته شده اند. طبق برآورد سازمان جهانی در این جنگ تا بحال بیش از ۲۵۰ هزار ایرانی کشته و ۵۰۰ هزار زخمی شده اند. تلفات عراقی ها به ۱۰۰ هزار کشته و ۱۵۰ هزار زخمی برآورد می شود. صلیب سرخ جهانی اعلام می دارد که ۷۰ هزار عراقی در ایران ۱۵۰ هزار ایرانی در عراق امیر جنگی هستند. انسان های آزادی از دو طرف به علت بمباران مناسطی مسکونی آواره گردیده اند. طبق برآورد سازمانهای جهانی تا بحال طرفین درگیر در جنگ بیش از ۵۰۰ میلیون دلار صرف هزینه این جنگ نموده اند. با توجه به مراتب بالا با رلمان آلمان:

- ۱- آغاز جنگ به وسیله کمور عراقی را محکوم می کنند.
۲- مصرف بمب شیمیایی به وسیله ارتش عراق را محکوم می نماید.
۳- اعزام کودکان به جبهه های جنگ و بمباران مناطق مسکونی از سوی ایران

قانون سربازان نهضت مقاومت ملی

بنیاد از صفحه ۱
ماه موران امنیتی ترکیه با به دست آوردن یک عکس در یکی از خانه های تیمی، توانستند سروان محمد طرافت کاروا با حتموی را در کنار هم در این عکس شناسایی کنند. این عکس در یکی از کافه های استانبول گرفته شده بود.

پلیس ترکیه در تعقیب تروریست های جمهوری اسلامی، عکس و مشخصات آن ها را به تمام پست های مرزی و پلیس بین المللی داده است.

ملکت چاپ استانبول ۲۷ نوامبر ۱۹۸۶

دیپلماسی دروغ

آیت الله شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی در سمینار رقضائی نیروهای مسلح گفته است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی هیچ فرقی با مردم عادی ندارند. در نخستین نگاه شاید اندکی غریب بنماید که رئیس دیوان عالی رژیم اسلامی، در سمینار رقضائی نیروهای مسلح چرا ناگهان به یاد نمایندگان مجلس افتاد.

البته اتفاق افتاده است که آیت الله موسوی اردبیلی حرف های بی ربط بزند. ولی این با ربط حرف نزد، بلکه برای نمایندگان مجلس اسلامی بیای می فرستاد که در جو کنونی سیاسی در ایران دارای معنای خاصی است. مجلس اسلامی این روزها نه تنها برای دولت مبرصست موسوی، بلکه برای رئیس خود شیخ علی اکبر فرستجانی هم کمی درد سردرستی می کند.

جامعه ایرانی علیه این دولت و دستگاه شدت برآفته است. این درخور فهم است. ولی مجلس اسلامی چرا؟ به هر حال آیت الله خمینی این با رنیز ملاحظه در این دیده است که مجلسیان در باره مسائل مهمی که رژیم اسلامی با آنها روبروست، غافلگیر نکنند، اینکه موسوی اردبیلی برای فریب دادن چنین بیای می برای برخی نمایندگان مجلس، منتظر فرصت مناسبی نشد، حکایت از وخامت وضع دارد. دولت در خواست دادن مدای اعتراض مردم که روز به روز بیلند ترمی شود، بیش از پیش دچار مشکل شده است، و این مشکل افزون تر خواهد شد اگر نتوانند مدای اعتراض را در مجلسی که خود آن را ساخته است، بیخوابانند.

اصل هشتم دوشم قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید: "نمایندگان مجلس... در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آن ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که داده اند تعقیب یا توقیف کرد." این ماده از قانون اساسی اسلامی را آیت الله خمینی یک جور می فهمد و تعبیر می کند و برخی نمایندگان جویدیکر برخی نمایندگان آن را آزادی بیان در پناه نوعی مصونیت پارلمانی برای خود می فهمند، لیکن خمینی که البته هیچ وقت برای قانون اساسی موردتأکید خودش اهمیت قائل نبوده است، این آزادی را فقط هنگامی می بیند که نمایندگان مجلس خود را می دارند که دولت میر حسین موسوی را به در سرنشیند زد.

در سالروز ولادت پیامبر اسلام، خمینی خطاب به مجلسیان که آن روز در مجالس حضور داشتند گفت: "چرا می خواهید بیان سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می خواهید دوستی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟" وی سپس بدلتی اندکی روشنتر افزود: "وقتی یک همجنس است از کاخ سفید، وقتی یک همجنس است از ریگان، لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرا شیل تندتر است..."

منظور خمینی از "آن چیزی" که به مجلس داده شد، جز همان سؤال ساده ای نبود که هشت نما بنده مجلس از وزارت خارجه اسلامی کردند که مک فارلین فرستاده کاخ سفید کی به تهران آمد، چرا آمد، با اجازه کی آمد و با کی مذاکره کرد.

این، مطابق قانون اساسی خود جمهوری اسلامی حق مجلس است. اصل هفتاد و ششم آن می گوید: مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد، و در اصل هفتاد و هفتم آن آمده است: عهدنامه ها، معاهدات و قراردادها و موافقت های بین المللی باید به تصویب مجلس اسلامی برسد.

گویا قرارداد لجزایر میمان جمهوری اسلامی و آمریکا، که حتی بدون اطلاع مجلس شورای اسلامی بسته شد، این درس را به مجلسیان نداد که بر آنان نیست که در امور مهمتر دولت اسلامی مداخله کنند، برخی از آنان خیال می کنند واقعا می توانند از حقوق برخوردار باشند که قانون اساسی مندرج است. به همین دلیل اکنون آیت الله موسوی اردبیلی به با د آنان می آورد که از این پس شدت مراقب حرف های خود در مجلس باشند.

اگرچه در اصل هشتم و دوشم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که نمایندگان را نمی توان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، تعقیب یا توقیف کرد، ولی برای دستگاه های تفتیش عقاید و سرکوبگر کار دشواری نیست که در بیرون از مجلس بیایها به آن ها ببندند. بهانه توقیف احمدکاشانی، نماینده همین مجلس، حرفهائی نبود که وی در مجلس شورای اسلامی زد، بلکه او را به موجب بخش اعلامیه در میان نیروهای مسلح با زداشت کردند.

مجلسیان با بیخاموشی بمانند تا دولت بتواند دیپلماسی توأم با دروغ و ریا را تا شتر ادامه دهد. در جامه ای که روز به روز بیشتر آماده، طغیان می شود، یک صدای بلند اعتراض می تواند هزارها اشکاس بیدار کند. وقتی که یک صدای چنین است، هزارها صدای چه خواهد شد!

قیمت جدید نفت

" کمیته قیمت ها " ی سازمان اوپک که از وزرای نفت پنج کشور اسرآن، عربستان سعودی، کویت، لیبی و اکوادور تشکیل گردید، تصمیم گرفته است به مجمع عمومی اوپک که در اوایل ماه جاری در ونزوئلا برگزار خواهد شد، پیشنهاد تازه ای ارائه دهد. بنا به گزارش های رسمی شده از کمیته با بتخت اکوادور، توصیه " کمیته قیمت ها " به مجمع عمومی، بازگشت به سیستم قیمت گذاری و تلاش برای بازگودا شدن قیمت نفت از چهار ده دلار کنونی به هجده دلار در یکسال است. اما کمیته روشن نگرده است که آیا لازم رسا شدن قیمت نفت به ۱۸ دلار در سکه کاهش میزان تولید است یا نیست، و اگر هست، چه پیشنهادی برای تقسیم تولید کل بین اعضا در نظر گرفته است.

گابوس هولناک

بقیه از صفحه ۱

پس از چندین روز این دست و آن دست کردن، هاشمی رفسنجانی دوباره گفته است که اگر آمریکا رفتاری درست داشته باشد، جمهوری اسلامی برای ایجاد رابطه با آن مانعی نمی بیند. این سخنان تازه او را می توان حمل بر آن کرد که رفسنجانی از موضع تداومی چندروزه خود بیرون آمده، به موضع تهاجمی نقل مکان کرده است. و این، در حالی است که دانشجویان مسلمان، همان به اصطلاح "خط امامی های" سابق و در رأس آنها موسوی خوئینی ها، آشکارا اعلام داشته اند که هرگونه رابطه با آمریکا به معنای پایان انقلاب اسلامی است. گفته اند هر نقطه ای که آمریکا از آن وارد جمهوری اسلامی شود، یک نقطه ضعف انقلاب است، ضعیف ترین حلقه زنجیر انقلابی است که آمریکا به هیچ روی نمی تواند از دشمنی ذاتی با آن دست بردارد.

آماج این حمله ها کسی جز هاشمی رفسنجانی نمی تواند باشد. وی، که از سخنرانی خمینی در سالگشت توند بیامیزد، ترمزها را اندکی کشیده بود، اکنون آشکارا از سوی خمینی پشتوانه ای به انداز کافی بدست آورده است که دوباره مسأله ارتباط با آمریکا را، هر چند به شیوه آخوندی خاص خودش، مطرح سازد.

در خورتوجه اینکه وی از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ، یاد نکرده، بلکه آن را در ردیف کشورهای چون فرانسه، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر آورده است که جمهوری اسلامی می تواند با آن همدستی نماید داشته باشد.

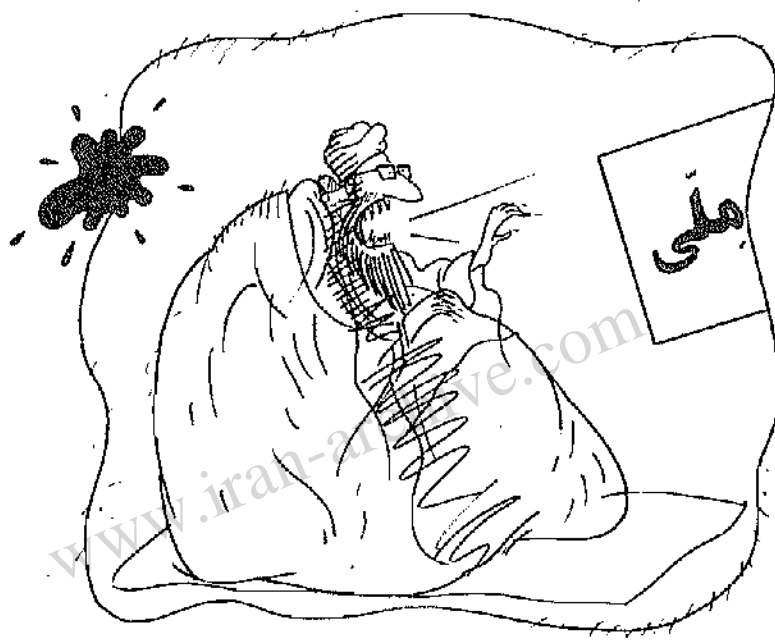
رفسنجانی شاید از خمینی قول صریح پشتیبانی دریافت نکرده باشد، اما دستور خمینی به هشت نماینده مجلس اسلامی که سوال خود را از وزارت خارجه درباره سفر مک فارلین به تهران پس بگیرند، برای اومی تواندنشانهای تشویق کننده باشد، به احتمال بسیار مجلس شورای اسلامی در این باره همانگونه محکوم به سکوت خواهد شد که درباره محکوم با زداشت احمدکاشانی، تنها بنده نظنر، سکوت کرده است و همان گونه به صورت مهرلاستیکی برای تأکید تصمیم هاشمی که در جای دیگر گرفته می شود در خواهد آمد که به هنگام تصویب آغا زما مذاکرات الجزایر بردارنده بود.

اما گمان نمی رود که خاموش گسردن نیروهای دیگر در درون دستگاه رژیم اسلامی که با ایجاد ارتباط با ایالات متحد مخالفتی همیشگی دارند، به آسانی خاموش کردن نمایندگان مجلس اسلامی باشد.

رفسنجانی، با تأکید خمینی، دیدار با نمایندگان دولت آمریکا را با امکان ایجاد مناسبات با آن، مطرح کرد و همه واکنش ها را آزمود. واکنش جامعه ایرانی، در حالی که تواءم با نسوعی

سرخوردگی از ایالات متحد بود، با ردیگر نشان داد که جامعه تا چه حد به این رژیم بی اعتماد است. واکنش عناصر تندرو مخالف غرب نیز هیچ نشانه ای از نرمش و اعتدال در خود نشان داد. در نتیجه اکنون برای آن جناح از رژیم که نوعی سازش با غرب را برای بیرون آمدن از این بست کنونی، چه در اقتصاد و چه در جنگ، ناگزیر می دانند، دیگر سر

میدانی برای مانور بین نیروهای چپ و راست باقی نمانده است. جناح طرفدار سازش با غرب اکنون گریزی از این ندارد که جناح مخالف سازش با غرب را سرکوب کند تا بتواند بدون مزاحم زدن رژیم به تلاش های پیش برای بیرون آمدن از این بست ادامه دهد. لحن آن ها هنوز محتاط و تاکتیک آن ها دو قدم به جلو و یک قدم به عقب است. این دودلیل دارد: یکی اینکه می خواهند فکر نزدیک شدن به آمریکا را در هیأت حاکمی جا بیندازند که نماینده های آمریکا در آن به صورت آداب مذهبی در آمده بود، و دیگری اینکه نمی توانستند پیش بینی کنند در آن سوی خط، در خود آمریکا، چه پیش خواهد آمد.



حتی مذاکره و معامله با حکومتی که نام آن گروگانگیری و تروریسم را در ذهن آمریکا می معمولی تداعی می کند، چنان که می بینیم، دولت ریگان را با بحرانی، با پیتاهای پیش بینی نا پذیر و بی سرو ساخته است. ایجاد ارتباط با چنین حکومتی، جای خود دارد. یکی از علل دیپلماتی بنیان هیجده ماهه بیشتر نا آگاهی حکومت آمریکا از نظراتی بسود که مردم این سرزمین از رژیم اسلامی حاکم بر ایران دارند. ریگان، این محبوب ترین رئیس جمهوری آمریکا، شاید از هیچ چیز این قدر صدمه نمی دید که سازش با کرازان رژیم اسلامی دیده شده است. نه فقط او از این پس، بلکه هر کسی هم که پس از او بیاید، چسبای خود ندارد مگر که این را در سیاست خارجی خود به حساب آورد.

خمینی که با رها گفته بود و رده های با شین ترازا و تکرار کرده بودند که ملت آمریکا دشمنی ندارند بلکه با حکومت آن مخالفند، اکنون دریا فتها شده در محاسبه دچار اشتباهی بزرگ شده اند. دولتی در آمریکا اگر بخواد به سازشی با جمهوری اسلامی برسد، یکی از بزرگترین موانع آن همین نفرت افکار عمومی آمریکا از رژیم تهران است. اگر نمایندگان رژیم تهران با ملت آمریکا دشمنی ندارند، ملت آمریکا نمی تواند به رژیم تهران ببیند و گروگانگیری و تروریسم، این کابوس هولناک ملی را به دنیا آورد.

رسالت انقلاب اسلامی!

میدان ما شور و آوازه می کند. می بیند که دیگران دریا فتها شده می توان مور هیر را نبرد، می توان فرمان رهبر را گردن ننگ داشت، می توان "خط امام" را بخواند.

در این میان، اگر چه تمام مردم ایران رژیم او نگرا نند، ولی نگرا نتر از همه آن کسانی هستند که تنها در سایه او بالیدند و قدرتی گرفتند. ولی خمینی فقط از حجت جسمانی نیست که مدعیان سنگین دیده است، مدعیان که اقتدار او خورده، اگر سنگین تر از صدمه جسمانی او نباشد، به هیچ روی سبک تر نیست. خلخال، وقتی که دست خمینی از پشت او برداشته شد، اکنون بسیار ریشخندان که بترسند، می خندند. محمدی ریشهی نیز، که به عنوان وزیر اطلاعات خمینی این قدر احساس قدرت می کرد که توانست خویشان و وزیران آیت الله منتظری را با زداشت کند، امروز تجربه می کند این را که دستور خمینی را هم می توان به اصطلاح در کوزه گذاشت و آتش را خورد. اگر خمینی، مسأله سال پیش، به یک مقام اجرائی دستوری داد که کسی را با زداشت کند و در مرحله محکومیت قطعی به تعقیب او بپردازد، آیا حرفش نخورد داشت؟ ولی امروز دستور صریح خمینی نیز برای تعقیب جناحی مهدی هاشمی کار گرفتند. امروز، بیش از همه نزدیکی منتظری، به ریش ریشهی نمی خندند، به ریش خمینی می خندند. او خواست حتی بی واسطه مقام های نظامی رژیم خودش، متهمی را محارفات کند و نمی توانست. اما "سیلی زن" اثر بیش از این عمر کند، به لوان بنیه ای خواهد شد.

بنیادهای ما تنها نامه جمع و انجمن های اسلامی که همگی در کار دولت مداخله می کنند و بندرت به دولت اجازه می دهند که در کارشان مداخله داشته باشد. حتی اشتباه محض است اگر بپنداریم که قدرت در جمهوری اسلامی از جاران، از شخص آیت الله خمینی برمی آید. اگر برای خمینی قدرتی قائل شویم. این است که وی می توانی نشان داده است در این که تاکنون از میان آشننگی ها و بریشانی ها راهی برای خود پیکشایی و وگرنه خمینی هرگز این قدر قدرت نداشت که تصمیم نهایی بگیرد و آن را به وسیله ارگان های اجرائی روبراه در سطوح گوناگون به اجرا در آورد. اما این قدر قدرت دارد که نگذازد بسک جناح برجناح رقیب چنان غالب آید که بتواند بگوید صحنه در جمهوری اسلامی، اوست.

خمینی، حتی اگر از ته دل آرزو کند، نخواهد توانست در جمهوری اسلامی خود، قدرتی مرکزی بوجود آورد. چند تلاش عبث او برای آن که سرانجام از رژیم خود پیکشایی بسازد که در آن درها و پنجره ها و راهروها و اتاق ها سرچای خودشان باشند، به اندازه کافی برای آموزش بود که دیگر گردنم وروال بخشیدن به جمهوری اسلامی نکردد و فقط خود را با اوضاع، چنین که هست، تطبیق دهد. شاید تفاوت مهم خمینی با دیگران در این باشد که می دانند رژیم جمهوری اسلامی هیچ نظمی را بر نمی ناید، حال آنکه دیگران، دست آن ها که به آینه خود می اندیشند، می گویند چنین نظمی را بوجود آوردند. تفاوت دیگران با دیگران در این است که می توانند، بنا به موقعیت خود، به هنگام شکست یا دریا ندگی در تصمیم گیری، روی سبب و همه دیدارها پیش را به آینه موقوف کنند. با این همه وی به چشمی بیند که بهیم ریختگی جامعه ایران در همه جا و همه چیز

ایالات متحد آمریکا در جمهوری اسلامی به جستجوی "عناصر معتدل" برآمد، ولی نه تنها در آنجا عناصر معتدلی نیافت، بلکه در یافت که طرف مذاکره ای هم نمی توان پیدا کرد که بشود به قول و قرارها پیش اعتماد کرد. نه تنها سیاست آمریکا، بلکه تمامی سیاست غرب، در جمهوری اسلامی اسیر شیعی است که رسانه های همگانی غرب در وجود آوردن آن سهم بزرگی داشته اند. بنیاد شدت چون هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع است، چون غالباً نماز جمعه تهران را کا رگردانی می کند، چون به وسیله برادرش برادر دیو - تلویزیون دست گذاشته است، چون به وسیله خویشاوندش محسن رفیق دوست در سیاه پاسداران محسن رضایی را می باید، پس مرد نیرومند رژیم است و دریا یگا قدرت، پس از خمینی در مرتبه دوم قرار می گیرد. پس دست کم او را می توان به عنوان طرف مذاکره ای در خورا عتقا دید گرفت. این بنیاد ریتدریج چنان قوت گرفت که به صورت واقعییتی انکارنا پذیر پذیرفته شد.

ولی واقعیت این است که در جمهوری اسلامی قدرتی مرکزی وجود ندارد که تصمیم ها از آن برآید و به ارگان های گوناگون حکومت یا دولت انتقال یابد. شما می رسالت انقلاب اسلامی در ایسترا در هم شکستن قدرت دولت مرکزی بود و تاکنون هر تلاشی برای ایجاد دیک دولت مرکزی حاکمی جز سرخوردگی برای رژیم نیافریده است. البته کابینه ای با هیأت وزیران، وزارتخانه ها با معاونان و مدیران کل، سرودی و پرچمی، سفارتخانه ها و سفیرانی با کاردارانی، وجود دارند، نیروهای مسلحی هم هستند، ولی هیچ کدام از اینها مرکز تصمیم گیری نیستند. در کنار این نهاد های دولتی، نهاد های به اصطلاح انقلابی را می بینیم مانند کمیته ها و بسیج، مانند دادگاه های انقلاب و

رادیو محلی نهضت و آواستن
رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران با صدی و آواستن - ویرجینا - مریلند یکشنبه - از ساعت ۱۵ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

مرزهای بسته

لیبراسیون چاپ با ریس در گزارشی زیر عنوان: «یونان مرزهای خود را به سروری سنا هندگان ایرانی بسته است، مینویسد: سیل سنا هندگان ایرانی که از رژیم خمینی میگریزند کشورهای ترکیه و یونان را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است که این دو کشور می‌کشند گناه آن را به گردن یکدیگر بیندازند. حکومت آن کشور ترکیه را بمنزله «اولین کشور پناهنده‌گی» به طفره رفتن از وظایف خود متهم می‌سازد، مرزهای خود را سروری سنا هندگان ایرانی بسته است و با آنان با شدت عمل رفتار می‌کند.

تاکنون ۸۶ ایرانی بسبب ورود غیر مجاز به یونان دستگیر شده اند و به مجازاتهای ۴ تا ۱۶ ماه زندان محکوم گردیده‌اند. و این درسی است به ۳ تا ۴ هزار ایرانی که در «اردین» منطقه مرزی ترکیه با یونان به امید عبور از مرز در آوازی بسر می‌برند. از این میان، آنان که شانس بهتری داشته‌اند در اردوگاه‌ها لائوریون در ۸۰ کیلومتری آتن استقرار یافته‌اند. این اردوگاه‌ها زیر نظر پلیس یونان و با سرپرستی عالی کمیساریای بنا هندگان سازمان ملل متحده اداره می‌شود. همواره ۴۰۰ نفر پناهنده سیاسی ترک، کرد، بلغار و رومانی که برای برحداکثر گنجایش این اردوگاه است در آن زندگانی می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز توانسته‌اند در هتل‌های پست میدان «اومونیا» در آتن راجل اقامت بیفکنند. یکی از اینان علی است. او که هنوز در سنین نوجوانی است در مهرماه گذشته از ایران گریخته است. سه سال در جبهه خدمت کرده است. در سال ۱۳۶۱ هنگامی که بس از پناهنده‌ها شدت او را به جبهه فرستادند، وی از کوهستانهای کردستان ایران توسط یک «آدم‌بر» ترک عبور کرده، سپس حدود ۲۰۰ کیلومتر راه را در آن طولی طی کرده و با قسایق بادی از رودخانه «اوریوس» در مرز ترکیه و یونان گذشته است. از خشوش اقبالی توانسته است با یک نماینده سازمان ملل در یونان تماس بگیرد. اما با اینکه نمی‌توان به آینه‌بندی او امیدوار بود، خودش می‌گوید: «از وقتی که بلغارستان و یوگسلاوی مرزهایشان را برای ما بسته‌اند، یونان تنها راه رسیدن به آمریکا و کانادا است.»

اما نرخ‌ها را آدم‌برهای ترک تعیین می‌کنند. نرخ عبور قاچاق از وروس بسته به مسافت منطقه عبور از ۵۰ تا ۵ هزار دلار متغیر است. این سوداگری انسانی به‌تازگی توسط یانسی کاپیس، معاون وزیر خارجه دولت یونان محکوم شده است. وی دولت آنکارا را تهدید کرده است که در صورت ادامه این وضع از خبرنگاران بین‌المللی دعوت خواهد کرد که سری به محل بزنند و از آن گزارشی تهیه کنند. از آنجا که آدم‌بر ترک علی را از ایران تا اینجا به همراه آورده است، قیمتی که وی برداخته

بسیار گزاف بوده است. این مبلغ را برادرش که در سیاه‌کوه بسر می‌برد پرداخته است. لیبراسیون در ادامه می‌نویسد: یک تکنیسین سابق با یادداشتی خطاب به در اردوگاه لائوریون بر می‌نویسد: «در ایران همه چیز را می‌شود با پول بدست آورد. حتی آزادی را. با ۲۵ هزار دلار می‌توان گذرنامه و بلیت هواپیمای هر کشوری را از طریق پاسدارها بدست آورد. پاسدارها حتی برای بردن شما تا فرودگاه به درختان می‌آیند. اما او که چنین پولی نداشته است، با زن و دودختر کوچکش از رشته کوه‌های آنا طولی گذشته است. همه خطرها و هراس‌ها را تحمل کرده است. در خوردن و گذشتن آن‌ها وارد یونان شدند و در همان لحظه اول همگی به ۱۶ ماه زندان محکوم شدند. پس از تقاضای فرجام، مجازات‌شان به دو ماه تخفیف یافت که به‌تازگی با بیان یافته است. او در پاره‌ای از اینک جگه به اردوگاه لائوریون رسیده است می‌گوید: «دولت و دادگستری یونان هر پرونده‌ای را جداگانه بررسی می‌کنند. نتیجه کار را اخراج، پناهنده‌ها را برافتن به اردوگاه است. بهر حال امروز ایرانی بودن جز قماری باخته نیست.»

لیبراسیون در پایان می‌نویسد: در سلسله مراتب پیچیده مهاجرت، رفتن به اردوگاه لائوریون نوعی ارتقاء مقام بشمار می‌رود. چرا که در آنجا به مهاجران کارت پناهنده‌گی سیاسی داده می‌شود. اگر کارها درست و سریع انجام شود، امید سرپناه و خوابگاهی وجود دارد. یونان که از کشورهای امضاء کننده قرار داد ژنو در باره پناهنده‌ها است، ماده ۱۷ این قرار داد را که در باره دادن اجازه کار به پناهنده‌ها است نیز پذیرفته است. و تنها تا «میان حد اکثر دو سال اقامت پناهنده‌ها را تخمین کرده است. اما این شرایط به دلیل وجود شرک‌ها و گردنه‌های بی‌شمار که در طرقات لائوریون به‌کار رسیه اشتغال دارند و زبان یونانی را یاد نگرفته‌اند تغییر کرده است. چرا که پناهنده‌ها و ورتاده‌ها واردان ایرانی را که غرق در «رو» سیاسی آمریکا می‌شوند تحقیر تحمل می‌کنند.

سیاست میانه‌روی



روزنامه لیبراسیون طی تفسیری درباره «منا سبات آمریکا و جمهوری اسلامی مینویسد: سردمدار جناح میانه‌رو جمهوری اسلامی که با آمریکا تماس گرفته، هاشمی رفسنجانی است. لیبراسیون با اشاره به بخشی از نطق ریگان که گفته بود: «علت فساد و فحاشی در جمهوری اسلامی، برقراری تماس با جناح میانه‌رو جمهوری اسلامی بوده است» می‌نویسد:

بدون تردید در نبرد سیاسی اما ن قدرت برای جانشینی خمینی، هاشمی رفسنجانی مظهر گروه میانه‌رو طرفدار رگشایش با ب مذاکره با آمریکا به شمار می‌آید. شاید این گروه رفسنجانی که تا بحال به عنوان یک عنصر افراطی شناخته می‌شد تعجب‌آور باشد، اما اگر روش استادی، خمینی را در نظر بگیریم، مسئله حل می‌شود. خمینی نیز قبلاً از رسیدن به قدرت، متشکل از گروهی قدرتمند وقت محبوب می‌شد. اما پس از در آغوش گرفتن شاه قدرت، به‌کلی چاره‌هایش را از دست داده است. هاشمی رفسنجانی نیز از منطقی‌ترین مباحثه بیرونی می‌کند. او نیز برای رسیدن به قدرت بسیاری از رفسنجانی را از زمین برد و اینک که خود را مرد شماره ۲ رژیم حس می‌کند، در مقابل گروه منتظری ظاهری میانه‌رو در پیش گرفته است.

لیبراسیون در شرح علت سیاست جدید رفسنجانی می‌نویسد: او که بی‌برده جمهوری اسلامی نمی‌تواند زراعت نظامی بر عراق پیروز شود، تمام تلاش خود را بکار گرفته است تا از طریق مذاکره بر محسور برکنار شدن صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق، به جنگ خاتمه دهد. سوریه در این میان سعی دارد عربستان سعودی را وادار کند که از پشتیبانی از عراق دست بردارد تا سوریه بتواند در ازای خدمتش برای از یاد آوردن حکومت عراق از جمهوری اسلامی تعهد بگیرد که در عراق حکومت اسلامی برقرار نکند. اما آمریکا به عربستان سعودی فهمانده است که به چنین تعهدی زسوی جمهوری اسلامی به هیچ وجه اطمینان ندارد زیرا در صورت سقوط حکومت عراق، دیگر نمی‌توان جلوی توسعه پناهنده‌ها را در جمهوری اسلامی را در منطقه سد کرد. لیبراسیون می‌افزاید: امتناع آمریکا می‌تواند عامل تسریع کننده دستگیری نزدیکان منتظری باشد. رفسنجانی با این

ما نور می‌خواهد به آمریکا نشان دهد که کنترل اوضاع ایران را در دست دارد. همین هدف وی، می‌تواند آمادگی او را برای آزاد کردن گروگان‌های آمریکایی در لبنان توجیه کند. به عقیده بعضی ناظران سخنان رفسنجانی به معنا سبب سالروز شغال سفارت آمریکا که طی آن به‌تصاف با شیطان بزرگ اعتراض کرده، نیز به منظور آن است که نشان دهد وی سرد قدرتمند رژیم جمهوری اسلامی است. لیبراسیون نتیجه می‌گیرد که رفسنجانی برای جلب توجه آمریکا و برای آن که نشان دهد همه سرخ‌های جمهوری اسلامی در دست او است، در مقابل جناح منتظری سیاست میانه‌روی در پیش گرفته است.

بازتاب اقتضاح

مطبوعات انگلستان هفته‌ی گذشته با دقت و تفصیل بیشتری عواقب اقتضاحی را که در آمریکا بر سر فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص وجه آن به شورشیان نیکاراگوئه برآه افتاده است، مورد بررسی قرار داده‌اند.

روزنامه «تا ایمز» در سرمقاله خود می‌نویسد: رونالد ریگان برای جلوگیری از فلج شدن شیبه آنچه پس از اجرای وا ترکیب در آمریکا رخ داد، احتیاج به کمک دارد. «بدون عملیات گسترده نجات، قدرت دولت آمریکا به همان شدت دو سال آخر حکومت ریچارد نیکسون آسیب خواهد دید.»

دیگر روزنامه انگلستان، «تا پمز»، نیز همین هشدار را می‌دهد، اما دوران فلج شدن دولت آمریکا را سه سال پیش بینسی می‌کند: ۲ سال باقی مانده حکومت ریگان و یک سال برای آن که جانشین وی به‌مورا رود.

تا پمز می‌نویسد: از این پس مبارزات شورشیان نیکاراگوئه محکوم به شکست است. روزنامه لندن معتقد است که در این میان روابط دو بر قدرت آسیب‌زایی نخواهد دید. روزنامه «ما فز» کار «سان» می‌گوید ریگان این بار نیز بر مشکلات فاشی خواهد آمد و بی‌معنی است که این ماجرا را شبیه وا ترکیب بدانیم.

در مقابل روزنامه «دیلی میروور» نزدیک به حزب کارگر این بار را شبیه به وا ترکیب میداند و روزنامه کمونیستی «مورنینگ استار» می‌نویسد: ریگان چه از اجرای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص وجه آن به شورشیان نیکاراگوئه آگاه باشد چه نباشد، باید سمت خود را ترک کند.

۱۰۰ میلیون دلار اسلحه

هفته‌ها مه «نیوزویک» چاپ آمریکا نوشت: ایالات متحده با تحویل ۱۰۰ میلیون دلار اسلحه به جمهوری اسلامی موافقت کرده بود.

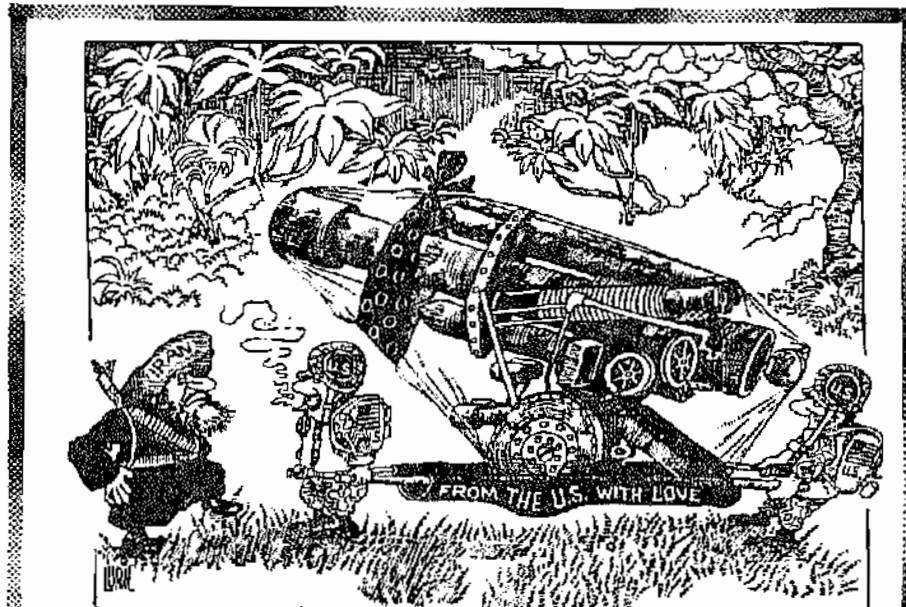
آمریکا بطور مستقیم معادل ۵۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی تحویل داده است و چنانچه بای سلاح‌های که از طریق کشورهای ثالث به خصوص اسرائیل به رژیم تهران داده شده است نیز محاسبه شود، این رقم نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار تجاوز می‌کند.

ولیا م کیسی رئیس‌سازمان اطلاعاتی آمریکا سیا روز جمعه در مقابل اعضای کنگره آمریکا تا شکرده بود که جمهوری اسلامی ۱۲ میلیون دلار برای تحویل گرفتن اسلحه آمریکا برداخت کرده است.

منابع نزدیک به «پنتاگون» قبلاً فاش کرده بودند که ۲۰۰۸ موشک ضدتانک «تا» و بیش از ۲۰۰ موشک ضد هوایی «هاوک» به همراه تجهیزات نظامی دیگر از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

به نوشته مطبوعات آمریکا، جمهوری اسلامی همچنین قطعات یدکی هواپیماهای جنگی اف-۱۴ و اف-۴ نیز دریافت کرده است.

به نوشته نیوزویک تنها بای موشک‌های تحویلی «تا» به ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسد.



«ما داشتیم رد می‌شدیم، گفتیم به‌یادایم گذشته‌ها بین هدیه کوچک را بشما بدهیم» کاریکاتور از: لوری - نقل از فیکارو.

همسپان عزیز!

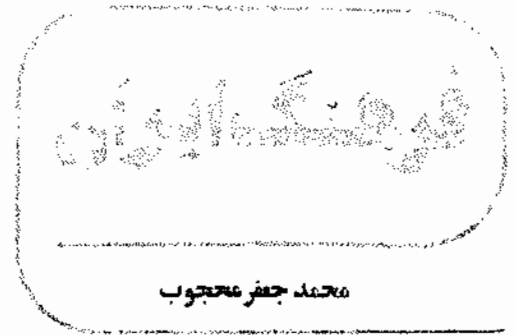
مرور تلخی غری به‌سختی و سختی
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح
سارا در جریان آفرینش غم‌های
اسرای و حیان برار می‌دهد.
ساره تلخی:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ پارس



دو پدیده‌ی هندی و ایرانی

دو نظریه و نظریه



محمد جعفر محبوب

به اندیشه منبرد راسا ز کرد
 تخت دستور دانا دومهره، تکلیف نکل از عاچ بسا ز نند و
 نقطه‌های سیا هنرنگ بر آن بنسازند، فردوسی شرح
 جزئیات تخته، نرد و مهره‌های آن و نیز آنچه را که امروز
 طاس می نامیم (و نام اصلی آن گنبدین است و چون
 آن را در طاس کوچکی می انداخته‌ و می ریخته‌ اند کم‌کم
 نام طرف به منظور داده شده است، کمبختین به معنی دو
 مهره، کمبخت شکل است) در داستان خود با زنگنه و روش
 بازی را نیز آشکارا کرده است. شعر فردوسی سندی است
 معتبر و هزار ساله در باره بازی نرد و روش آن که ارزش
 تاریخی فراوان دارد. بیستی چند آن را می آوریم:

به فرمان آسمان سیا از دوروی
 به تندی بیار استه جنگ جوی
 یکی را چونها بگیرد دوتن
 بر آن یک تن آید ز هر دو شکن

به جای کردس زنگت سیا
 گرازان دونه (طاس) اندران رزم گاه
 همی این سدان آن بدین برگشت
 گبی رزم کوه و کبی رزم دشت

بر این گونه تا بر که آید شکس
 سندی سیا دوسه انحصان
 بدین مان که گفتم، بیار است نرد
 بر شاه نند، یک به یک یاد کرد ...

وقتی بزرگمهر نرد را به شاه نمود و روش بازی آن را شرح
 داد دل شاه از آن خیره ماند و او را بسا رستود و بیفرمود
 تا دوهزار ساربان اشتران نزد شهریار آوردند و کالاهای
 روم و چین و هیتال و مکران و ایران زمین را از گنج شاه
 بر آن ها بار کردند، چون این کار ساخته شد، فرستاده
 رای را بخواند و نامه‌های به رای بنده نوشت که در آن پس از
 مقدمات عادی نامه‌های درباری گفته بود: این موبد
 هوشمند را با دوهزار شتر و ربا زکرا ن نزد شاه فرستادیم
 و بر جای شطرنج نرد را بنیادیم تا چه کس تواند آن بازی
 را به جای آورد، در مجلس رای، بر همان فراوانتند و
 امید که به دانش خود این بازی را دریا بنده آسا اگر
 نتوانستند:

شتر و را بر باد که هم زین شمار
 به بیمان گند رای قشوج بار
 کند بار همراه با بار ما

بزرگمهر روز دیگر نامه شاه و بیارهای کا لاوتخته نرد
 به سوی هند رفت و بد دربار رای هند رسید و نامه و بیام
 شاه و تخته نرد را بدور ساخت، رای نیز هم بدان قسار
 هفت روز برای حل این بازی یافتن راه آن مهلت
 خواست. اما بر همان هفت روز وقت گرفتند و سرانجام
 بیازین بازی را گشودن نتوانستند. روز نهم بزرگمهر
 به دربار رای هند آمد و گفت شاه ایران بیستی از این ما را
 درنگ نخروده است. بر همان ناگزیر به نامه‌های نسی
 خویش اقرار کردند:

خویشید، بنشست سوز رحمیر
 همه بر بدان ترکسند چهر
 گسرتد بیس اندرون تخته نرد
 همه گردی سپرده با د کرد
 سبدار نمود و همگی سیا

همه آرا بی رزم و فرمان شاه ...
 همه مهران آریس خواندند
 و را موبد پاک دس خواندند
 زهر دانی زو بر سید رای

همه بیایخ آمد بکای که جای
 خرونی بر آمد ز داندگان
 ز دانی بزوهان و جوانندگان
 که اینست سخن گوی داننده مرد

نه آری به رای طرنج و نرد ...
 باقی داستان روشن است، رای هند آنچه را که خسرو
 انوشیروان خواسته بود به همراه بزرگمهر به ایران
 می فرستاد و ایرانیان در این نرد دانش و خرد نیسی
 سرور می شوند، مضمون نامه‌های که رای به شاه ایران
 می نویسد سیا رحا لب تخته است:

که رای و بزرگان کواشی دهند
 به رسم، از یک رای دهی
 که خون شاه سوسروان کس بند
 به آرمودان سز زگر کسید

سکس دانی سر در سوز اوی
 به داس سیر اس کجور اوی
 بر سنده بد سار ک ساندیسی
 و سر سار بد، بر سیم بیسی

در دناله، این داستان، اسناد طوس داستان دین پذیر
 نرد در باره، بنده مدن طرنج می آورد. آن داستان،
 که در نامه نامه به " داستان گو و طلحه " معروف است
 تفصیلی دارد و شرح آن محالی جدا گانه می خواهد، در
 باره آن این گفتار را بدو گویم که روزی سیر تا سوز
 انوشیروان، بزرگمهر شخصیتی بنده آسا رای و نیمه

دورنگ آن را که سفیدش از عاچ و سیا به آن از جواب باج ...
 ساخته شده بود نزدیک شاه می گذاشت، شاه پس از چندی
 نگر بستن بدان ها از فرستاده در باره صفحه شطرنج و
 مهره ها سئوالاتی می کند و فرستاده می گوید شاه این
 میدان کار را است:

چنین داد با سخ که ای شهریار
 همه رسم و راه از نرد (= سایسته) کارزار
 بیایی، حویسی به بازی سوز راه
 ره و رای و آراس و رزم گاه

شاه از فرستاده ده یک هفته مهلت می خواهد تا معنای این
 بازی را حل کند و بدومی گوید که روز هشتم برای گرفتن
 نتیجه به بیوان شاه میاید. آن گاه سزای شاه را خلوت
 می کنند، موبدان و دانا یان به حضور شاه میایند و
 آن تخته شطرنج را در میان می گذاشتند. مهره ها را به
 صورت های گوناگون در عرصه می جینند و با هم به گفت و
 شنید بسیار می بردند. اما هیچ یک از آن را به بازی
 رانمی یاید. سرانجام پس از گذشت چند روز، همه با
 چهره های گرفته با رگه را ترک می گویند. آن گاه
 (ظاهرا " به فرمان شاه) بزرگمهر نرد شاه می آید و
 او را گرفته و تلخ گامی بیند و داستان را از شاه می شنود:
 به کسری چنین گفت گای بادنا

چناندا رو بیدار و فرمستان روا
 من این نغز بازی به جای آورم
 خرد را بدین رهنمای آورم

نوشیروان بدو گفت: آری این کار را تو است، چه اگر
 معنای این بازی کشوده نشود رای قشوج (= یکسی از
 استان های هند) خواهد گفت که ایرانیان یک مورد
 دانا نیندند و این برای موبدان شکستی بزرگ و
 زشت، و برای درگاه و تاج و تخت شاهای و هفتی بزرگ
 است.

بیاورد شطرنج سوز رحمیر
 بر اندیشه بنشست و بگنجد چهر
 همی جست بازی چپ و دست راست
 همی راند، تا جای هر یک کجاست

به یک روز و یک شب جوابی نیافت
 از بیوان سوی شاه و ایران شرافت
 چنین گفت گای ساه پیروز تخت
 نگویمستم این مهره و نیک تخت

شهنشاه باید که بنده نخست
 یکی رزم گاه است کوئی درست ...

سپس از شاه درخواست کرد که فرستاده رای را نزد خویش
 بخواند تا راه و رسم بازی را ببیند. چون فرستاده رای
 هند به مجلس شاه آمد بزرگمهر از او پرسید که شاه هند از
 این مهره ها با توجه گفت؟

چنین داد پاسخ: که فرخنده رای
 حوازمی اومن برنتم زهای
 مرا گفت این مهره عاچ و ساج
 بر برین نخ جداوند تاج

پس از آن باقی بیغام رای را به شرحی که پیش از این
 آمد تکرار کرد.
 بزرگمهر دربار فرستاده رای تمام مهره های شطرنج
 و جایگاه و وظیفه هر یک را شرح می دهد:

بیا راست دانا یکی رزم گاه
 به قلب اندرون ساخته جای ساه
 حد و راست صر سید ساه
 بیا به بیس اندرون رزم خواه

هشیسوار دستور بردست شاه
 به رزم اندروس نام بنده راه
 مبارز که اساف کند بر دوروی
 به دست حد و راست سرخاس جوی

وزا و برتر اسان جنگی به پای
 بدان تا کی آند به بالای رای
 بیا راسته بیل جنگی دو سوی
 به حد اندرون همگان کرده جوی

جو سوز رحمیر آن سیه را براند
 همه انحصان در گفتنی بنامد ...
 چون توضیحات بزرگمهر در باره شطرنج و آداب و رسم
 بازی آن به پایان آمد:

عمی سد فرستاده هند سحس
 بسا بداندر آن مرد سید رحمت
 که اینست حد و شطرنج هر کردند
 به از کار دانا بنده سید ...

انوشیروان بزرگمهر را تحسین و آفرین بسیار کرد و جای
 برار گوهر تا هوا رویک بدره پرا زدینا روایی با زمین و
 برگ بدودا دوازا و خواست که این بر سرش رای هند را ساختی
 تا بیسته آماده کند.

بزرگمهر بر رفت و در تار یکی به گوشه ای نشست تا بتواند
 بهتر اندیشه خود را گرد آورد و دقیق تر و ریسیک تر
 بیندیشد. درون آن تار یک جای در اندیشه روشن خویش
 به شطرنج هندوان درنگ بست و ساعت ها رنج روان را بر
 خود هموار ساخت و:

خرد بادل روس اسار کرد

گویا پیش از این، این نکته را یاد کرده باشیم که در
 بعضی تاریخی شاهنامه سرگذشت خسرو نوشیروان از همه
 طولانی تر است، در ضمن زندگی نامه این پادشاه
 داستان های بسیار آمده است که صورتی جدا گانه مستقل
 دارد. برخی از آن ها نیز در دور ان های بعدی بارها و
 بارها مورد استفاده داستان سزایان واقع شده و شایخ و
 برگ بسیار یافته است. داستان فرستادن رای هند
 دل پذیر روزگار انوشیروان است، اما پیش از برداختن
 بدان، باید یک نکته را یاد آور شویم:

یکی از عناصر داستان سزایی، که در ادب فارسی
 شاهنامه فردوسی قدیم ترین سرچشمه آن است، و بارها
 و به کرات مورد استفاده، سا بر تخته خوانان و صحنه آرایان
 داستان ها قرار گرفته، رت و بدل شدن دانا یان و
 دانش بزوهان در میان دریا رهای پادشاهان، و طرنج
 سئوال های دشوار و در خواست جواب آن، یا فرا نمودن
 معنی ها و صحنه های پیچیده و در خواست حل آن هاست. در
 حقیقت داستان سزای از عرصه داستان، برای نشان
 دادن پیروزی یکی از دو حریف، به جای روی آوردن به
 منطق و منبر و تکیه کردن به دلیل قاطع زور بسازو و
 نیرومندی، از ههای تازه ای برای زور آزمایی حریفان
 جستجوی کرد. یکی از آن ها نیز این بود که پادشاهی
 - مثلاً رای هند - فرستاده ای خردمند و زبانی آور به
 دربار حریف خود مانند پادشاه ایران - می فرستاد
 و بر سرش ها می را مطرح می کرد و جواب می خواست و مثلا
 می گفت: اگر این پرسش را پاسخ بگویند به جای و
 خراجی که از ما خواسته آمد کردن می نهیم، وگرنه
 دیگر نه تنها از ما با زوسا و نخواهید، بلکه خود نیسیز
 یا بد خراج گزار ما شوید چرا که دانش از هر چیز برتر
 است.

بدریه ای است که در تاریخ ایران، چنین سابقه ای
 همواره با پیروزی ایرانیان پایان می یابد. داستان
 شطرنج و نرد، که اولی از هند به ایران آمد، و دومی
 از ایران به هند رفت و فردوسی این کار را در شرح
 روزگار انوشیروان یاد می کند از همین گونه
 داستان هاست. به گفتار اسناد طوس گوش فرادهم:

... چنین گفت موبد، که یک روز شاه
 به دیبای رومی بیار است گاه (= تخت) ...

چنین آگهی یافت شاه جهان
 ز گفتار بیدار کار آگهان
 که آمد فرستاده شاه هند
 اسابل و ختروسواران سند

شتر و را بر راست با او هزار
 همی راه جوید بر نه بر بار
 پادشاه دستوری دهد که به استقبال فرستاده رای هند
 بیرون دوا و راه بارگاه آوردند:

خو آمد بر نه بر بار
 فرستاده نامدار ست سرک
 به رسم بزرگان نیاس گرفت
 جهان آفرین راستایش گرفت

کبر گرد بسیار پیشش سار
 اباحترو با بیل و با گوشوار
 بیار استه چتر هندی به زر
 بر او با فقه جید گونه گیر ...

فراوان به بار اندرون سیم وزر
 حوازمک و از غنم و عود تر
 زیاقوب و الماس و از تیغ هند
 همه تیغ هندی سر سربید ...

شاه به فرموده های شاهانه و گران بهای رای هند را
 به خزانه بردند. سپس فرستاده رای نامه فرمان روی
 هندی را که بر حریف نوشته شده بود به شاه ایران تقدیم
 داشت و همراه نامه:

یکی تخت شطرنج کرده برنج
 سبی کرده از رنج طرنج، گنج
 چنین داد بیغام هندی رای
 که تا خرچ با سد توانی به جای

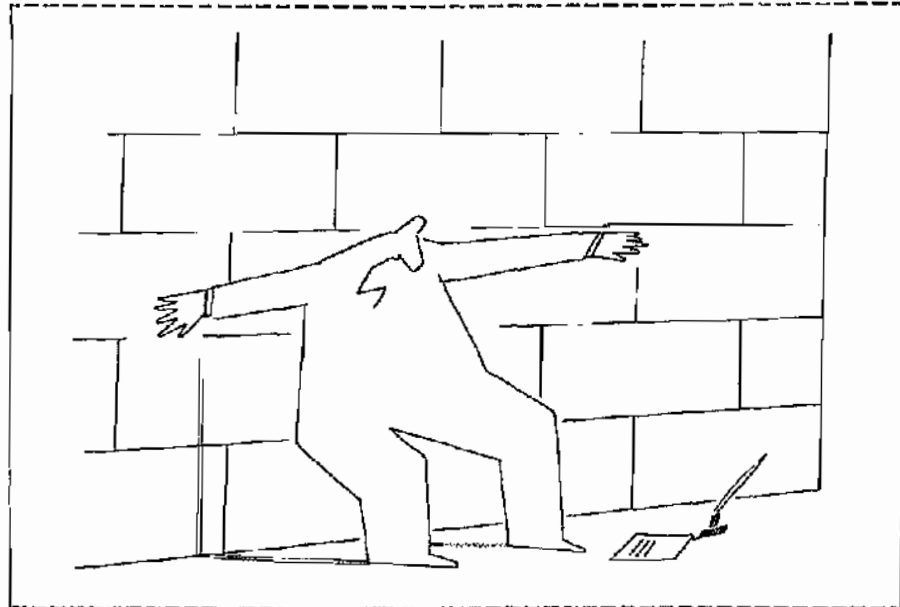
کسی گو به دانش نکر رنج بیس
 بفرمای تاخت شطرنج بیس
 نهندو، زهر گونه رای آوردند
 که این نغز بازی به جای آوردند

بدانند هر صبره ای را به تمام
 که خون را اندا بس و هانه کدام؟
 بیا به داند (= بنسازد) و بیل و سیا
 روح اسد و رفتا رفزین (= وزیر) و شاه

سزایان می گوید اگر خردمندان دربار شاه این بازی
 را دریا فتند و درست به جای آوردند ما باج و خراجی که
 شاه فرموده است به دربار خواهیم فرستاد. اما اگر
 دربار بر دانی ما تاب نیا آوردند و در این مسافه نکست
 خوردند علاوه بر آن که دیگر از ما چیزی نخواهند:

همان سار باید پذیرست سر
 که داس بد را مکرار رحیر
 فرستاده رای با این سخنان صفحه شطرنج و مهره های

تبهکاری اجتماعی



مسئله عدالتی که در آن، تاه شهباز زاده شده، چندان شواهدی ندارد. از این گذشته، هر چند که در جمهوری اسلامی انگشت دزدان را قطع می کنند و برای این کار، ما شیبی هم اختراع کرده اند، ولی دستها از درون رژیم به سرقت اموال مردم نیز به قدرت بلندی شده، به هیچ وجه نمی توانند تعاقب با شکله اغلب تبهکاریها به وسیله ما؛ موران شهر با بی اژاندا ریزی کشف می گردد، نیز به هیچ وجه تعاقب نیست که از آغاز انقلاب تا کنون، هر چند که یک بار، دزدان خود را به لباس اقرا دکمینه یا سبزه می پوشند و به جان و مال مردم دستبرد می زنند. کارگران رژیم می گویند که این، کسار خدا انقلاب است، ولی اگر فرضی کنند و سرگوشی در میان مردم آب بدهند، بروشنی درخواهند یافت که کدما میک به دزدی و تجاوز شهرها سد؛ انقلاب یا خدا انقلاب!

بزرگی ایران تا بدیهه و خاست تهربران شایه، اما به آن انداز ه هت که تبهکاری اجتماعی را به عنوان یکی از انگیزه های اصلی نگرانی مردم سراسر ایران مطرح سازد. در نخستین نگاه، این همه جنايت در رژیمی که یکی از سخت ترین قانون های مجازات عمومی را وضع کرده است، حیرت آور می نماید. کسی که قانون قضاوت رژیم را خوانده باشد، از آن همه سوای که در تدوین جزئیات آن نیز بیگانه بوده است، نباید چنین نتیجه گیری کند که رژیم اسلامی به تبهکاری حساسیت بسیار نشان می دهد، ولی این نتیجه گیری اشتباه است. رژیم به تبهکاری حساسیت بسیار نشان می دهد، به هر حال و مائلی که اختراع کرده است، نه تنها امنیتی درجا معه بوجود نیامده، بلکه محیط اجتماعی ایران را از همیشه تا این تر کرده است. قانون قضاوت اگر صدمه بار هم خشن تر و قساوت آمیز تر از این تدوین گردد، مادام که زمینه اجتماعی جنايت بیوسته

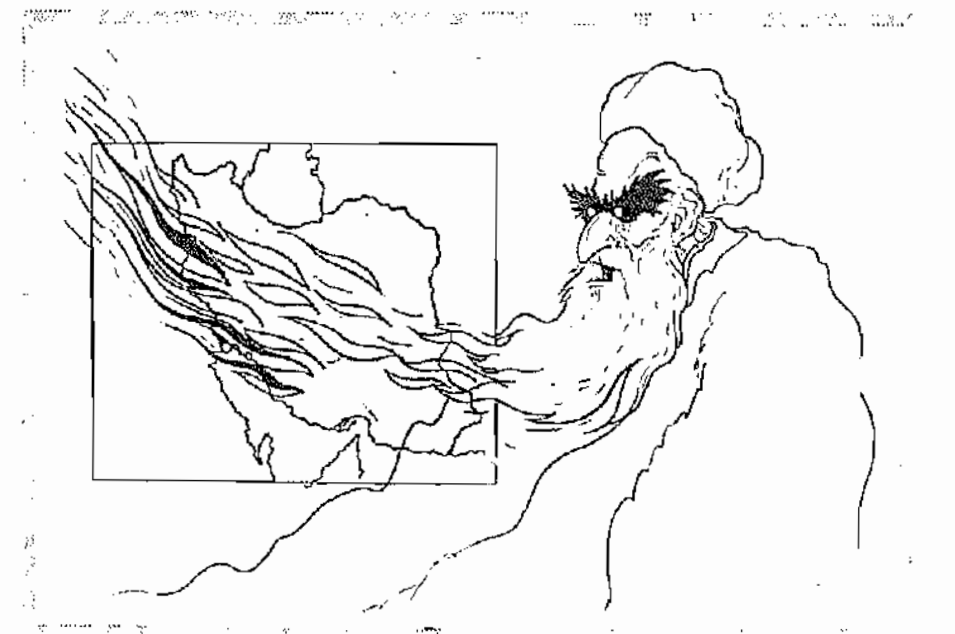
ساختمانی برای سرقه پول، با کارد به چهارتن از دوستانش که با هم در یک اتاق منزل داشتند، حمله کرد. دوتراز آنان را با کشت و دوتن دیگر را بشدت مجروح کرد. مورد دوم: "اعضاء باند راگی" که به عنوان کشت کمیته شب ها وجوه نقد و اشیاء قیمتی مردم را به سرقت می بردند، به وسیله ما؛ موران آگاهی تهران دستگیر شدند. مورد سوم: "رسانندگان نوجوانی ۱۴ ساله که قصد داشتند از والدین او ۶۵ هزار دلار اخذی کنند، توسط ما؛ موران تحسین شهریانی رشت شناختی و دستگیر شدند. مورد چهارم: "به ساری درده و ننگ به خاسته" به سرمدی وارد شدند، اورا خفه کردند و اناشه، خانه او را که ۵۰ هزار تومان قیمت داشت، به سرقت بردند. این شهان نیز به وسیله شهریانی دستگیر شدند. مورد پنجم: "دوکا رگر مسافر خانه ای در خیابان ناصر خسرو تهران، مسافری را به خاطر ۱۵۰ هزار تومان پولی که داشت، کشته و جسدش را در کوچه عربهای تهران انداختند. ما ملان این تبهکاری نیز به وسیله ما؛ موران کلانتری ۱۳ تهران شناختی و دستگیر شدند. مورد ششم: "دزدان میلیگی که گا میون حامل روغن نباتی را، پس از کشتن راننده، آن ربودند، به دام افتادند. مورد هفتم و هشتم ونهم مربوط به جعل اسناد، خرید و فروش کوبن ارزاقی عمومی و اختلاس از صندوق یک میمان خانه است که اکنون موضوع گفتار ما نیست. تازه اینها جنایت ها می است که بیس از کشف، در رسانه های همگانی منعکس می گردد. گزارسی از منابع موثق حکایت از آن دارد که در تهران هر دقیقه یک جنایت اتفاق می افتد، وضع در شهرهای

درا بران امروز، تبهکاری اجتماعی دامنه ای چنان گسترده یافته است که با هیچ یک از دوره های تاریخ معاصر ایران قابل مقایسه نیست. تبهکاری بیگمان دارای ریشه های روانی - ارشی نیز هست، ولی زمینه ای که در آن رشد می کند و به صورت مصیبتی درمی آید، اجتماعی است. در سطح جهانی، در کشورهای مستمند و محروم، نرخ تبهکاری بسیاری بالاتر است تا در کشورهای ثروتمند. حتی در یک شهر، ناحیه ها و محله های فقیرنشین، از تبهکاری اجتماعی بیشتر رنج می برند تا محله های ثروتمند و مرفه. هر آینه، تبهکاری مساهله ای نیست که فقط بتوان با آن از راه های قضایی مقابله کرد. اما ماده گسترده ای در رژیم تهران، بکسره جتم برجسته اجتماعی امر فروخته است و فقط آن را در مقوله حد و تعزیر و قصاص می گیرد. مساهله اکنون این است که حد و تعزیر و همه آنچه در قانون قصاص اصطلاح اسلامی خلاصه شده است، تا کدام پایه در گاهت شرح تبهکاری اجتماعی سهمی داشته است. واقعیت این است که تبهکاری نه تنها گاهت هشیبیدانکرده، بلکه افزایش نیز یافته است. مجازات هسا هر چند سنگینتر و از راه های حیات بسیار قساوت آمیزتر از همیشه شده اند، ولی منحنی تبهکاری همچنان قوس صعودی می بینیم. مدتها پیش معقه حوادث دوشماره روزنامه کیهان (جانب تهران) یکی مورخ ۲۲ ختممه ۲۶ آبان را مورور کرده ایم. موارد ارتشا با اختلاس را تا بدیهه گرفته ایم. فقط به آن تبهکاریها می برداخته ایم که انسان، موضوع آنهاست. مورد اول: یک کارگر

سفید شده است و کاخ شهبان برای توجیه شکست خود علیه جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند، ولی بلا درنگ از "توجه دیگری سخن می گویند که روسای آن برای خود اوورژیم دغلاکارش می مانند. می گوید: "... مع الالف بعضی از کسانی که از خودمان هستند، به شیخ آن ها، به تبعیت آن ها ... اینجا تبلیغ می کنند. من نمی خواهم ... اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می خواهم عرض کنم چرا ما اینقدر عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطه اغراض نفسانیات اینقدر خودمان را بسازیم؟ وقتی که این همه تزلزل به آن ها دست داده است برای بی اعتنائی ایران به کاخ سفید ... چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آن ها را؟ چرا ما باید اینقدر غریب زده باشیم با شیطان زده؟ ..."

از همه سخنان افشاگرانه امام جماران به روشنی برمی آید که اگر یک سوی این رسوائی بزرگ، دامن دولت مردان کاخ سفید گرفته است، سوی دیگر آن، لریزه برستون های پوسیده رژیم فریبکاران و افکنده است. دیگر با هیچ نطق و خطابه ای، با هیچ شرفند و حیل های نمی توان این رسوائی تاریخی را جمع و جور کرد.

شیطان زندگان!



رادیو ایران سبدهای یخنی براتمه

برنامه اول
ساعت ۶ تا ۷/۳۰ روی امواج کونشیا
وقت تهران: روی امواج کونشیا
رادیو های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵ کیلوهرتز) ۳۱۰ متر (فرکانس ۹۵۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۷۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کونشیا
رادیو های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کونشیا و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۷۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۳۷۰ کیلوهرتز).

همه آن ها می هستند که خواب جا نشینی "ولایت فقیه" را می بینند و پوست خریزه زبیرای شیخ تحف آبا دی می اندازند. خمینی در سخنان خود برای آنکه دقیقاً "خودی" را را رسوا کند، حاب "نق و ننان" همیگی را جدا می کند. می گوید: "... این اشخاص بعضی شان در نظر من سوچند لکن از بعضی دیگر که ما بفرده اند هیچ توقع نداشتم ... که در این زمان که ما بدترین دبیران سراسر آمریکا، فریبکار می رستند مسئولین ما ... چه کرده است؟ شما ها چه تا نیست؟ چه کرده است؟ شما ها؟ شما ها چرا با بدتحت تا ... تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحسین تا شرارت نفسانیت خودمان؟ ..."

خمینی ادعای می کند که "نگ فالرین را که گویا قاضی و با مسورت جعلی به تهران آمده بوده، بار رسوائی بیرون کرده اند و همین ما حراسب "انفجاری" در کاخ

دوستان "شیطان بزرگ" را - که سبدهای مجریان و دست اندرکاران رژیم فریبکار او هستند، افشا می کند. می گوید: "... شما انصاف بدیهه که در یک همجه وقتی، وقت چنین اموری است؟ وقت یک چنین تا شدی است از کاخ سفید؟ وقت یک همجه تا شدی است از ریگان؟ ... لکن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسراشیل هم شنیده است؟ از لحن خود کاخ شهبان آنجا هم شنیدند است!!"

این "شما یان" چه کسانی هستند؟ شیخ رستمیانی است که دود زده بازی ها پیش را "بجه مکتبی" ها نیز دریا متدا و این اواخر خراغ سبزی را بر عمارت پر نورتر می تا باد. آن دیپلمات "بارانی دزد" منم بارمان ملل است که از بهترین موضع شیطان بزرگ کلی دست انسانی می کند.

اما همرا آن، درست مثل همیشه، سرزنشگاه سکوت خود را نکست، تا تا بدیهه دیگر ستواندگان کشتی شکسته و در تلاطم فتنه "ولایت" خود را خراخند و چند صد سال دیگر سردیای خدعه و میکرو نیرنگ پیش برند. در این چند دهه ای که از رسوائی ارتباط بینانی تا "شیطان بزرگ" می گذرد کار خراخندان جمهوری ولایت، آنجنابان خد و نقیض گفتند و آنقدر به شیوه سنتی امام خود، توی دهان بکدیگر کوبیدند، که دیگر گاه بی رمی رهبر خود را به لب رسانیدند و آتش غط و غضب او را شعله ور ساختند. تا ایسجای نصیبه، آنچه که پیش آمده است نه می باشد است و نه شکست آور. این از شگردهای مکرر به کار گرفته شده، خمینی است که، به محض آنکه می بیند یکی از گروه های نشنه قدرت برای تح گیری ولحن مالی کردن آن دیگری از حد متعارف فراتر می رود، بر ایوان حماران ظاهری نمود و محکم توی دهانت می گوید.

اما آنچه در این نوبت، در ما جای این رسوائی فراگیر، رفتار او را امتناع است. می سازد آنست که خواسته و ناخواسته بر جوانب مختلف ما حرام می گذارد و مسئولان حکومت خود را به خبانده منم می سازد.

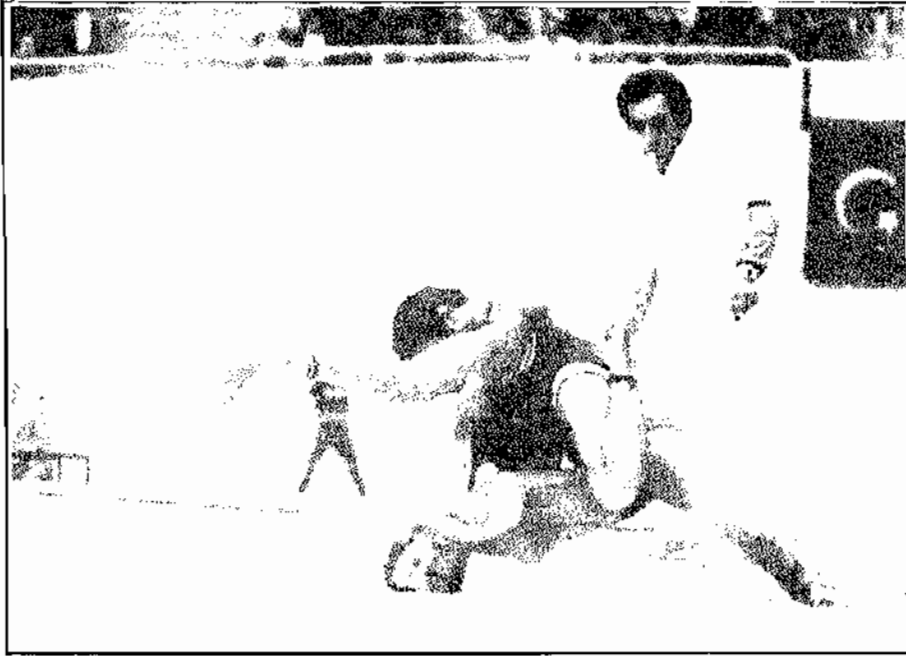
خمینی این بار، لحن جمهوری اسلامی، این رژیم نه غربی نه شرقی را که شعار "موت سراسر آمریکا" زده نش نمی افتد، آنجنابان سهمی زندگانه بسته ترین مشامها نیز از ایدان بیبره مندی شود.

خمینی تا شد می کند که "نگ فالرین" به ایران بخرد کرده است. خمینی تا شد می کند که آخوندها در جناح های تندرو و کندرو در سراسر هم جبهه گیری کرده اند، خمینی تا شد می کند که تفرقه و دودستگی در میان جلابان تدت گرفته است. و سرانجام خمینی تا شد می کند که گروه مقتصدی از آخوندها که حتی مورد اعتماد دو اطمینان او بوده اند، سرورتری ما نظیر سزرگ داشتند.

خمینی به نسبت محکم "هفده وجد" "خیالت به رسوائی رژیم خودی گوید: "در یک صدم روزی که روز هفتنه وحدت است، چرا ما می خوا هید تعریفه با د تعریفه با دکنند ... حده است شما را؟ کجا داردی رویه؟ حراب از همه ..."

خمینی سراسر از این هم سبزی خورد و

سرگرمی دو ساله مرکز آمار ایران



تیم قهرمان

بزرگی مثل آمریکا، شوروی، بلغارستان و ترکیه نتوانست کاری بکنند و سرفاکنده به تهران بازگشت. نه به علت کوتاهی ورزشکاران، که اینها همان فرزندان عزیز ایرانند، بلکه به این علت، که ورزشکاران اکنون در چهار رجب حزب الله زندانی شده اند. تاه حزب الله تا آن حد بود که حتی در مسابقات با کستان هم باختیم، بدینسان می آوریم که عبدالله موحده چهره بزرگ کشتی دنیا و المپیک، وقتی می خواست در مسابقات جهانی شرکت کند، قهرمان آمریکا به قهرمان شوروی گفت: «مدا ل نفره را من می گیرم و مدال برونز مال تو، آنها سر مدال طلا حرفی ندا شنند و آنرا به طور قطع متعلق به موحده می دانستند. فقط سونقره و برنزد عوامی کردند. - حال تیم کشتی ایران به با کستان هم می زد...»

به ذمیمه ای این نامه، عکس خودم با حریف شوروی را در مسابقات جهانی، تقدیم می کنم.

احمد رضا شی

روزنامه ای قیام ایران درست در همان روزها می که دکترنا پسر بختیار با شجاعت زاید ا لومفی تخت و زیری اسران را پذیرفت، و ایران در آتش می سوخت، تیم کشتی آزاد ایران رهسپار مسابقات جهانی مکزیک شد، و در همان حال و روزگار، تیم کشتی ایران، قهرمان سوم جهان شد. و این امتیاز میان تیم های شرکت کننده از قاره ای جهان به دست آورد. و با وجود اعتمادات و نوا راحتی های داخل کشور، اما دگی خود را حفظ کرده بود. و خوشبختانه این افتخار را به دست آورد که حریفان خود را با ضربه ای فنی و بیجا امتیاز مطلوب کند و کاب مقام سوم جهان را نصیب خود سازد. که متاه سفاهه دیگر فرصت این را نیا تقسیم که قبل از رفتن میی خدمت، دکتر بختیار تخت و زیری ایران برسیم. این موقعیت تیم کشتی ایران در آن زمان بود.

حال می شنویم که تیم کشتی ایران، در مسابقات تاجام آسیا، سرغم غیبت حریف های

نیا مده بودا ز این امکانات بهره می گرفت تا اینکه با نا بودا خن این وسایل تحت شعرا رمبا رزه با اسپرالیسم جها نخواستار روپا بزا نودر آوردن مستگیرین و خا نه نشین ساختن متخصصین کامپیوتر و بستن رشته میزبورد را شگاه، کسار بجای رسیده است که رئیس مرکز آمار ایران به عجز دستگاه خود در نداشتن ماشین های محاسبه و متخصصین مربوط اعتراف می کند و اذیتنا بیج سرشاری را به دو سال دیگر حواله می دهد.

اگرچه ضعف و نارسایی نسبی در مسائل آمار و آمارها را در سال های گذشته نیز وجود داشت ولی از سال ۱۳۴۵ مرکز آمار ایران که به عنوان یگانها دوتولید کننده آمار و اطلاعات کشور بشمار میرفت با به گذاری شاد و بیچترسا زمان برنا مو بودجه کشور با لیتش را آغا ز کرد. بتدریج سعی برای بودگاه زنوا قص موجود در این زمینه حتی المقدور کاسته شود که اگر ایده آل نبود ولی در راه کمال پیوستن می رفت.

در صورتی که امروزه رژیم هنوز نتواند جمعیت را بخت جسته ای است. چند روستا از کنگدالی مانده، نسبت روستای به شهری چه میزان است و با اصولا چه مقدار تولید بر داشت در سطح روستا ها داریم و تیا زخوراک مردم تا چه حد است...»

بعلت همین نارسایی ها است که مسئولین و دستا ندرکاران رژیم نا خود آگاه مطالبی از " زبان آمار " جاری می سازند که نتیجه آن جز تمسخر و بوز خند مردم نتیجه دیگری بیار نمی آورد و مسلما " تا تاریخی که آقای چمنیدی برای تعیین نتایج قطعی سرشاری عنوان کرده اند می باید منتظر شنیدن این چنین سخنانی از زبان سرمداران باشیم البته اگر رژیمی تا آن زمان وجود داشته باشد.

در این زمینه ذکر چند نمونه از بیسن گفته ها که بی بنظر می رسد:

نماینده گوهدشت در سخنرانی قبیل از دستور خود در مجلس شورای اسلامی می گوید: " تمام آمارهای وزارت کذا و رزی حتی یک نفر را برای یک نوبت غذا هم می سرنمی کند و از سوی دیگر نماینده با بیل در ۱۹ اردی بهشت ماه ۶۴ به دنده دیگر افتاده و یکبار به اعلام می کند " آمار و ارقام بودجه ما به تنهایی از بودجه کشور چین با یک میلیار د جمعیت بیشتر است. این ارقام به تنهایی حتی از بودجه کشور ترکیه و هندوستان با بیسی از یک میلیار د جمعیت بیشتر است "!

توجه به گفته های مسئولین رژیم در هفته دولت نیز نگاه ۲۴ روزگه ۲۴ مهر ماه ۱۳۶۴ به مدت یک هفته در تهران تشکیل شد خود گویای حقا بقی است که روشن میسازد چگونه حتی مقامات بلندپایه دولتی نیز از روی هوی و هوس و بدون کمترین برآی آمار و ارقام را به مسخره گرفته و اطلاعات بدون محتوایی بخورد مردم می دهند.

آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در این جلسه می گوید " خدمات شش ساله رژیم براسروحتی بیشتر از

سعا ون وزیر مشاور و رئیس مرکز آمار ایران در جمهوری اسلامی آقا ی دکتر مجید چمنیدی در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات هجدهم مرداد ماه ضمن بر شمردن اهمیت آمار و اینکه " آمار و اطلاعات تکیه گاه ملی برنا مدبریزی برای توسعه بشمار می رود " که سخنی است منطقی و اصولی گفت " با مقدماتی که از جنبه پیش گرا هم شده است از یازدهم مهر ماه سال جاری به مدت دو هفته سرشاری عمومی در سرشار کشور انجام خواهد گرفت. " تا مبرهه اگر چه کل مدت سرشاری را تنها دو هفته کافی دانسته است ولی بلافاصله اذیتنا کرد: " از آنجا که سرشاری عمومی عظیم ترین کسار آمار و سرشار است و استخراج نتایج آن به زمان و ماشین های کامپیوتری و الکترونیکی نیاز دارد و با دست و منگیز غیر مسلح نمی توان به سراغ این آمارهای وسیع رفت به لحاظ اینکه ما در استفاده از ماشین های کامپیوتر و متخصصین در این رشته محدودیت داریم، لذا نتایج استخراجی از سرشاری عمومی تا دو سال پس از پایان سرشاری یعنی با پایان مهر ماه سال ۱۳۶۷ مشخص خواهد شد. " بهرحال از اواسط مهر ماه ۱۳۶۵ سرشاری در ایران آغاز شده و البته هنوز کسار بجای نرسیده اعلام گردیده است که بر مبنای کوبن های ماردیده جمعیت ایران کمی بیش از ۳۸ میلیون نفر است و همینطور نتیجه گیریهای دیگر، اما آنچه که در این اقدام قابل بررسی است اینکه اگر طبق موازین علمی " برنا مدبریزی با خطا طر توسته " در هر مملکتی بعنوان اساسی ترین حرکت های اقتصادی و اجتماعی هر جا معه بشمار می رود و برای اجرای آن ضرورتا به ارقام و آمار دقیق نیاز است. بیسن بنا به گفته آقای چمنیدی، بخاطر اینکه مرکز آمار ایران دسترسی به کامپیوتر نداشته و متخصصین در این زمینه در اختیار ندا رند، می باید حرکت و تلاش برنا مدبریزی در ایران برای مدت دو سال منوق بسا نتایج از انتشار نتایج حاصله که لایه محاسبات مربوط به کمک چرتکه و دست و منگیزهای غیر مسلح صورت خواهد گرفت، قدم های بعدی برداشته شود. دو سال انتظار که معلوم نیست رویدادها چه سرشتی را برای فردای رژیم رقم زده است.

در دنیای امروز ما هدهستم که دا نشندان کشورهای پیشرفته شیا نه روز آمار و اطلاعاتی تا زه از ما می بدیده های جهان تهیه و تنظیم می کنند تا مسئولان حکومت ها براساس آن ها سرنوشت دنیا را تعیین نمایند و در این زمینه بدون تردید بیروزی از آن کسانی خواهد بود که آگاهی و آمار صحیح تری در دست داشته باشند، گذشته از ما لک پیشرفته، بهره گیری از آمار و سنجش آنها به کمک ماشین های کامپیوتر و دستگاه های الکترونیکی حتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز در زمره یکی از ضروری ترین وسایل زندگی در آمده است و ایران ما نیز تا وقتی که کامپیوتر توسط آخوندها جز توامل استکار جهانی بشمار

روابط پنهانی

سوی برخی از نمایندگان در چند روز دیده شده است، به اعتبار مجلس خدشه وارد نخواهد شد؟

یادآوری می شود رژیم ولایت فقیه، از آغاز عمر مجلس شورای اسلامی تا کنون، چندین نماینده دست چین شده خود را برگزیدگان ساخته، فراری داده یا زندانی کرده است.

آخرین نماینده مورد غضب قرار گرفتند که زندانی شده است، احمد کا شانی است. وی به اتهام توطئه در ارتش جندی بیش بازداشت شد و رژیم تا کنون هیچ خبر دیگری درباره وی منتشر نکرده است.

احمد کا شانی قبیل از دستگیری، در جلسه آبان ماه مجلس، از وزارت کشور، در باره حمله به مطب پزشکان افغانستان در جریان اعتصاب های تابستان گذشته توضیح خواسته بود و محتشمی وزیر کشور وی را به طرفداری از ضد انقلاب متهم کرده بود.

در پی سخنان شدیدالت لاله خمینی در ۲۸ آبان ماه در ارتباط با ارتش نمایندگان مجلس شورای اسلامی که طی نامه ای از وزارت امور خارجه، جمهوری اسلامی، خواستار توضیح در باره روابط پنهانی سرخا زسوران جمهوری اسلامی با مقام های آمریکا گسی شده بودند، روزنامه آرگان حیزب خامنه ای - رفسنجانی، در سرمقاله دوم آذر ماه خود این عده از نمایندگان را مبتلا به بیماری شیطان زدگی نامید و آن ها را اسیرداسیس و اغفال شده شیطان دانست.

روزنامه جمهوری اسلامی نه تنها این عده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بلکه از نمایندگان ها را که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی از عملکردهای رژیم اسلامی، انتقاد کرده اند، بیمار شیطان زده خوانده است.

روزنامه میا شده، نوشتهاست: آریا با حرکاتی که در یک سال اخیر به تناوب از

ارز دانشجویی

در تهران گفته شد به زودی ارز دانشجویی به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت و ارز بسیاری از دانشجویان ایرانی در خارج قطع خواهد شد.

چندی پیش آئین سور معاون دادستان عمومی تهران و سرپرست داسرای فرودگاه مهرآباد دبستانی از دانشجویان خارج از کشور را متهم کرده که با جعل مدارک از موا سات آموزشی ای که وجود خارجی ندا رد از دریافت می کنند، وی تهدید کرده بود که این دسته از دانشجویان تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضا ئی جمهوری اسلامی نیز در مراسمنامه جمعه ای آبان ماه تهران، برداشت اذیتنا بد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را مورد انتقاد قرار داد و گفت: این افراد با پول این ملت علیه نظام شمسار می دهند، یا بعد از خا تمه تحصیل به کشور با زنی گردند، وی افزود: وزارت علوم

در این رابطه مشغول بررسی است و پیشیا د شده است به جای اعزام دانشجویان، استاد مربوط به کشور دعوت شود.

فعالیت ها نیست که طی ۵ سال گذشته صورت گرفته ... وزیرا مدعی است که " راه های ساخته شده در این رژیم پنج برابر راه های ساخته شده در زمان گذشته است ... و وزیر نیرو میسازان افزایش برق را ۳ برابر می کند قبیل می دانند و عجیب آنکه در همه این

پرونده های ساواک

پرونده های ساواک

بیان کیفرخواست از طرف دادستان

اظهارات دادستان در شرح کیفرخواست علیه دکتر مصدق و سررتب ریاچی طی جلسه (از ۲۵ آبان تا ۲۵ آذر ۱۳۴۲) به دراز کشید و در آغاز سخن "نیایش به درگاه خداوند" نمود و از "ارواح طیبه اولیای اسلام" سددخواست تا به انتقام جویان از مظلومان که "شریعت شهادت نوشیده اند و اوج جان با ارواح اولیای اسلام محسور است" در اجرای وظیفه خود یعنی "کندن ریشه بیدینی و بی ایمانی، تبهکاری و خیانت به کشور و ملت ایران توفیق حاصل کند، وی پس از ادای یک سلسله عبارات مقدسه بلافاصله علی رغم آداب و رسوم دادگاه به سطح ناسزاگویی نسبت به متهم تنزلی کرد و از جمله او را تبهکار، جانی، و دارای درجه دکترا در تمام فنون نزارت و جنایت " و همکارانش را "سگ ست رجان" خواند.

دادستان طی اظهارات خود سعی کرد تا تنها ماتی را که طبق کیفرخواست نسبت به دکتر مصدق عنوان کرده بود با ذکر بعضی تفصیل به صورت حقایق آشکار و غیر قابل انکار جلوه دهد. تفصیل مزبور مربوط به موضوع های زیر بود که در سخن های دیگر توضیح داده می شود: عدم اطاعت فرمان عزل، بازداشت افراد دینا می و غیرنظامی ببدان رویه فرمان، صدور اعلامیه روز ۲۵ مرداد، مبارزه به رفراندم و انحلال مجلس، ترتیب میتینگ ها، ایستادگی ها، دادن شعارها و نوشتن جملات فداشکنانه، بدواری، نشر مقالات علیه سلطنت و به منظور برقراری جمهوری، مخاربه، بلکراف های توهین آمیز نسبت به شاه، طرح فروریختن محسمه ها، برهم زدن کسانون دادرسی و کیفراترشی، دستور حذف نام شاه از دعای سرگشته و نامگاه ارتش. دادستان همچنین اشاره به سرقت های روزنامه های با اخترا امروز (ارگان دکترا فاطمی و منتسب به دولت)، جبهه آزادی (ارگان حزب ایران)، شهباز (ارگان جمعیت ملی مبارزه با استعمار)، آبیان (ارگان حزب ملت ایران) بر بنیاد پان ایرانیسم) و روزنامه های ارگان نیروی سوم نمود که همیشه عبارات مختلف شاه را "خائن" - "فراری" و "جنايتكار" خوانده و خواستار برقراری جمهوری شده بودند و خصوصاً (این عبارت را از سرقت با اخترا امروز نقل کرده که "فراری بغداد نوکری و بردگی انگلیس را برپا دهنده ملت خود ترحیب داد". دادستان برای اثبات آنها می که علیه دکتر حسین فاطمی عنوان کرده بود نورمندی او را که هنگام برگزاری میتینگ ۲۵ مرداد ضبط شده بود به گوی حاضران در دادگاه رساند. با آنکه موربا دکتر مصدق اشاره به زمان های گذشته میکرد دادستان ز زمان به اعتراض می گوید و رئیس دادگاه دکتر را از اداه سخن منع می کرد ولی دادستان خود گفته تنها مورد سواست زندگی و احوال دکتر - سعدق و رویدادهای زمان حیات او مانند کودتای سوم اسفند ۱۳۴۹ بلکه حتی درباره وقایع و رویدادهای یک قرن پس از آذانه و بدون هیچ گونه اعتراض از جانب رئیس دادگاه داد سخن می داد. از جمله تقریباً تمام وقت سیزدهمین جلسه صرف همینگونه اظهارات او است که از دوران سلطنت محمدشاه یاد کرد. قائم مقام را با حاج میرزا آقایی مقایسه نمود، صحبت از تقاضای دالکای روکی مشهور در سیاست روس نسبت به ایران به میان کشید و حتی خاطر، شخصی به نام حکیم احمد گلانی را بعنوان "سرحلقه اهل عرفان و جدا عیادی سیهنذاهدی" ستود. او در تحریک دادستان به محکوم نمودن دکتر مصدق (هر چند احتیاجی به چنین تحریک نبود) و حتی تحریک تماشاگران علیه مصدق از بهنج نکتة فروغی و رنگر دیو بیخوس حربه تکفیر را به کار برد.

او گفت: "مصدق ایمن به روز میداد و معاند نداشتند"، "رساله ای بر ضد دین مبین اسلام نگاشته است"، "او ایچان و مذهب ندارد و فردی بی ایمانی است". "اعمالش جز جنایت به مذهب اسلام نبوده است". دکتر مصدق در جلسه با زدهم به این قبیل اظهارات دادستان اعتراض کرد و خطاب به رئیس دادگاه گفت: "شما به دادستان اجازه دادید که مرا بی دین معرفی کرد و مرا بی ایمان خطاب کرد... مرا خداوند شکست، شما مسئول جان من خوا هید بود". رئیس دادگاه فقط در جواب گفت: "بسیار خوب، با زدهم جلسه چهاردهم دکتر مصدق گفت: "دادستان حربه تکفیر مرا بدست گرفته اند. دادستان حق ندارد راجع به این موضوع صحبت کنند. من مسلمانم، خانوادهم مسلمان، پدرم مسلمان، مادرم مسلمان و عیالهم مسلمان است... این آقا به تحریک یک جاهلی می خواهد در اینجا مرا بی ایمان و بی عقیده معرفی کند تا بعد مرا بکشند و نسل را بگویند که از روی تعصب اقدام به این کار کرد... دادستان باید اذله و براهین اقامه کند نه نسبت بی ایمانی بدهد". رئیس دادگاه گفت: "این دادگاه بنا به امر علی حضرت هما سونی موظف به حفظ جان شما است. یقین بدانید در اینجا هیچ گونه خطری متوجه جان شما نیست مگر این که اجل خداکی برسد". دکتر مصدق گفت: "آخر اجل هم یک جوری می آید که آدم نمی فهمد". دکتر مصدق در جلسه چهاردهم خطاب به رئیس دادگاه گفت: "وکیل عموم حق ندارد به منم توهین کند، ما منم باید روی قانون رفتار کرد". یک بار نیز با حالت عصیان خطاب به دادستان گفت: "توسرخص نسبتی این حرف را اینجا بزنی، وظیفه تو اینست که در حدود قانونی حرف بزنی، فهمیدی؟ به تومی گویم در حدود قانون صحبت کن". دکتر مصدق در این ایراد محق بود و رئیس دادگاه نیز با کتا "با دوقی می داد و یک بار هم به دادستان تذکر داد که درباره مذهب اظهاراتی نکند ولی بهر دلیل بود نمی خواست با نمی توانست از اظهارات دادستان در مواردی که بطور واضح مخالف با سزا است و آداب و رسوم معقول دادگاه می بود جلوگیری کند.

فؤاد روحانی
مصداق
ونهضت ملی ایران
در کشاکش چپ و راست
محاكمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی

اینک در پاریس این قسمت ما فهرستی از بعضی از مطالباتی که دادستان آن ها را به دفعات چاشنی بیانات خود در توضیح کیفرخواست می نمود ذکر می کنیم و با آن در می شویم که اظهارات توهین آمیز دادستان منحصر به فقرات زیر نبوده است: "اودشمن مردم ایران، مایه شنگ ایران، با عث ریختن آبروی ملت ایران نزد بیگانگان است، بی وفایه، ما تریا لیستی یعنی ماده بستی است، ما مور تعطیل و وقفه سیر نهضت مبارزه ضد استعمار است، روزی که جان خود را در خطر دید ما نندرو با به سوراخی بنا شد بر د تا سادا سردان آزاده خون کشی را بریزند، عادت او برای جلب مرام دیکتوران ارادت روزی و غلام بستی بوده است که غلام بچه دربارهای قاچاره بود، او با وجدانی تازیک تحریک به نفاق و کینه توزی می کند، تبهکار، مستعدی، خائن، یابی، سنگدل، خطرناک، خودخواه، بازیگر، افسوس ساز، سفاک، تا خون شکن، عوام مغرب، جسور، گستاخ، وصیح، نالیخولیاچی، عنود، سرکش، طویل میان تپی، سالوس و ریاکار است، روش و روش فرعونی و دیکتاتوری مطلق است، او با عت غفلت و غیور ایرانیان شده و غرور ملی را از بین برده است". واضح است که دادستان با آنکه کرا "اظهارات و به محض آبروی ایران در نظر بیگانگان می کرد خود به این نکته توجه نداشت که روش او در یکبار رسردن چنین عبارات زشت و مستهجن نسبت به شخصی منتم در چنین جریا با زبیری وادادری بیش از هر چیز موجب هتک حیثیت و آبروی سازمان دادگستری ایران در نظر مردم کشورهای متهمن خوا هید بود. در این زمینه ما فقه می کنیم که دکتر مصدق در بیست و ششمین جلسه دادرسی عکس العمل شدیدی نسبت به روش دادستان نشان داد. به این معنی که خطاب به رئیس دادگاه گفت: "ایشان آنچه را که خواسته اند به من نسبت داده اند... من جواب عرض می کنم تا اگر به من که نخست وزیر یک ملتگی بوده ام توهین می شود لااقل به ملت ایران که من منتخب آن ملت بوده ام توهین نشود. زیرا این شایسته یک ملتی نیست که یک نفری مثل من را نخست وزیر خودش بکند و بعد این مرد (اشاره به دادستان) به او توهین کند. این توهینی است که این مرد به ملت ایران می کند".

شرح وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۳۲

در سراسر جریا با زبیری وادادری از طرفی دکتر مصدق می کشید تا دامنه بحث را به همه گونه مسال و موضوع های که به اثبات حقانیت خود مربوط می دانست بکشا ند و از طرف دیگر دادستان و رئیس دادگاه کسرا با ایراد به خارج شدن از موضوع رشته سخن دکتر مصدق را قطع می کردند. سرهنگ بزرگسهرمی نویسد: "دکتر مصدق بارها در زندان به من گفت خدا را شکر می کنیم که این محاکمه فراموش شد تا بتوانم حقایق را بگویم ملت ایران در برانم (۱) دادگاه با آنکه می به این قصد دکتر مصدق تصمیم داشت که او و جنین فرمتی بدست نیاورد و بنا بر این مرتباً تذکری داد که موضوع بحث فقط وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد است ولی با این حال دکتر مصدق در خلال توضیحات خود به بسیاری نکات دربار، جریا ملی کردن نفت، مبارزات دولت خودبا استعمار، توطئه های که به منظور براندازختن حکومت او صورت می گرفت، و اشکالاتی که با آن مواجه بود اشاره می کرد. در جلسه نوزدهم رئیس خطاب به دکتر مصدق گفت: "فقط در اطراف موضوع صحبت کنید و به سواست و حکایات که مربوط به دادگاه نیست نپردازید... خواهش می کنم فقط از روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد... هر قدر می خواهید ادسختن بدهید... دادگاه فقط درباره ۲۵ تا ۲۸ مرداد قضاوت می کند و حتی به روز ۲۴ مرداد هم کاری ندارد... مطلقاً رسیدگی به وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد مربوط به کار نیست... حتی اگر بخواد از صبح ۲۴ مرداد ما هم صحبت نکنیم بنده همین تذکره را خواهم داد. شما فقط از ساعت ۱ صبح ۲۵ مرداد تا روز ۲۸ مرداد صحبت بفرمایید. دکتر مصدق گفت ایسا (دادستان) به من آنها ماتی زدند که جزو ۲۵ تا ۲۸ مرداد می شود و بنده باید جواب بدهم. رئیس پاسخ داد دادگاه روی آن آنها مسات قضاوت نخواهد کرد. دکتر مصدق گفت: اما مردم قضاوت خوا هند کرد. دادگاه به همین بیان دکتر مصدق

حسابیت مخصوص نشان می داد چون نمی خواست به هیچ عنوان روی سخن دکتر مصدق با مردم باشد حتی ظاهراً دولت ترتیبی فرا هم کرده بود که افرادی از تماشاگران در فرمت های سنا سب نسبت به دکتر مصدق اظهارات نرجسار کنند. از جمله وقتی در جلسه هفدهم دکتر مصدق ضمن توضیح اقدام مردم به شین کشیدن معسمه رضا شاه گفت: "شاه فقید را انگلیسی ها آورده اند یکی از تماشاگران که در ردیف اول نشسته بود خطاب به او گفت: "خفه شو" و دیگری گفت: "باید دشمنان شاه شاه ها نباشند". این پیش آمد به دادستان فرصتی داد (و نظیر این فرصت با رها پیش آمد) که تهدید کند که دکتر مصدق به این رویه خود ادامه دهد... تقاضای سری شدن جلسات دادگاه را خواهم کرد. در نوزدهمین جلسه دادرسی گفت: "هرگاه آقای دکتر مصدق قهمنما بندگان من دفاع عواردمیاشی شوند که برخلاف انتظام موممالح کشور با شما بنحایت طبع قانون درخواست سری بودن دادرسی را خواهم نمود". ولی وضع عمومی و توجه جانی به جریا با محاکمه دکتر مصدق اجازه سری نمودن جلسات دادرسی را نمی داد و بالنتیجه دکتر مصدق تا اندازه ای توانست آنچه را که می خواست به گوش مردم برساند. ضمن جواب ها می که به سئوالات رئیس دادگاه می داد، اظهارات کرد. اینجا یک قسمت از اظهارات دکتر مصدق را که در واقع شاه بیست دفاعیاتی بود نقل می کنیم. وی در جلسه چهارم دادرسی که موضوع ملاحت دادگاه مطرح بود چنین گفت: "من خود می دانم که یک گناه هی بیشتر دارم و آن اینست که تسلیم شما بیانات خارجی ها نشده و دست آنان را از منابع ثروت ملی کوتاه کرده ام در تمام مدت زمانه ماری خود از لحاظ سیاست داخلی و خارجی فقط یک هدف داشتم و آن این بود که ملت ایران بر مقدرات خود تسلط شود و هیچ عاملی جز آزاده ملت در تعیین سرنوشت مملکت دخالت نکند. پس از اینجا به سال مظلله و تجربه به این نتیجه رسیدم که جز تا مین آزادی و استقلال کامل ممکن نیست که ملت ایران بر مشکلات و موانع بشمار می کند راه سعادت و عظمت خود را بد غلصه کند و برای نیل به این منظور تا آنجا که توانا ستم کوشیدم... بیش از یک قرن سیاست های مغرب و مهلک را جری در مقدرات وطن عزیز ما تا شیر خارق العاده داشت و تمام جریا با سیاسی و اقتصادی مملکت را تحت با تیر می گرفت مخصوصاً نفوذ سیاسی و اقتضای امپراتوری انگلیس و کمراشی آشکار و پنهان شرکت با بق نفوذ جنوب که مدت حکم قرن امکان تجدید حیات و فعالیت شرافتمندانه را از ما سلب کرده بود مقتضیات سیاسی دنیا و عشق و علاقه ای که عموم اقرا دو طبقات مملکت به مبارزه با این سلطان مهلک و طرز این سیاست استعما کرده است شده من و دوستانم فرمت داد تا با استعداد از همت بلند او را ده محکم هموطنان در قطع نفوذ این سیاست مغرب قیا مکنیم... جیبت مردانه، ملت ایران با به استعما را در سراسر خار ورمیانه متزایل کرده است و مردم این مملکت را در انظار جهان میان حیثیت و آبرو بخشیده است... لطیفان دارم که هیچ قدرتی نمی تواند دامنه نهضت و جنبش مقدس ملی ایران را محدود کند".

دور برای این اظهارات رئیس دادگاه گفت این مطالب مربوط به صلاحیت نیست و دادستان ضمن حملات شخصی به دکتر مصدق گفت: "این شخص به عقیده به مذهب اسلام دارد و توهین به غرور ملی ایران و ایرانی وقت می کند... این گریه عابد... مسلمان نیست... اما بدین است که اینگونه گریزهای "انحرافی" کوتاه بود چون دادگاه هر بار بحث را مترا نه به موضوع وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد برمی گرداند. بنا بر این ما بدو "شرح وقایع روزهای مورادگفتگور آنگونه که جریا با زبیری وادادری دقیقاً معلوم گردید نقل می کنیم و بسند چگونگی آنها مات و دفاعیات مربوط به آن ها و نتیجه گیری از آن هارا توضیح می دهیم.

۱ - مصدق در محکمه نظامی (جلد دوم صفحه پنج مقدمه)

شطرنج و نرد
بقیه از صفحه ۶

تاریخی است و هنوز به درستی نمی دانیم که آیا وی وجود واقعی تاریخی داشته است یا نه. بسیاری از محققان او را با بزرویه، طبیب، پزشکی که کلیله و دمنه را از زنده به ایران آورد یکی دانسته اند. اما این حدس نیز ما شب و محقق نیست. بزرگسهرمی در شاهنامه فردوسی داستان های شگفت انگیز و شیرین است که به ما به دست مایه افسانه سازان شده است. بعضی از این داستان ها را در فرصتی مناسب، در گفتارهای بعدی با خوانندگان گرامی در میان خواهیم گذاشت و شکل نخستین آن را با صورتی که در افسانه های بعدی یافته است خواهیم سنجید.

داستان شطرنج و نرد در شاهنامه قدیم ترین اطلاعاتی است که درباره آن است. این دوبازی در ادب فارسی وجود دارد. اما قدمت داستان نه از روزگار فردوسی که از طلوع اسلام نیز فراتر می رود. اصل این داستان در آثار با زمانه از زبان پهلوی در ساهای به نام "ماتیگان شترنگ" نیز وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که اصل داستان نیز از قدیم تر از عصر خسرو انوشیروان نیا نند جدید تر از آن نیست.

تخت شطرنج به معنی تخته شطرنج است و مراد از آن همان مفعول است که در رای ۶۴ خانه سفید و سیاه (۸x۸) است و بر روی آن شطرنج بازی می کنند. این کلمه بارها در این داستان تکرار می شود و همه جا به همین معنی آمده است.

ساج با ساک، درختی است زیبا از تیره شاه پسند. چوب این درخت بسیار مرغوب و مقاوم است و در ساه ختمان کشتی ها به کار می رود.

اولین کمک ریکان به خمینی

روزنامه مهتابی بزمجاپ لندن زیر عنوان "اولین بار که ریکان به خمینی کمک کرد" می نویسد: در یک بعد از ظهر گرم خرداد ماه ۱۳۶۱، یک دیپلمات تومندروسای توموبیل خود را در مرکز شهر تهران پارک می کند و نا بیدار می شود. یک ساعت بعد در گرملین زنگهای خطر به صدا در می آید و امروز، این واقعه، که در آن دوران توجهی بدان نشد، بسیار دیگر مطرح شده است تا با مسئله معاملات اسلحه ریکان با رژیم خمینی راستگین تر سازد.

این دیپلمات که ولادیمیر کوزیچکین نام دارد، در آن زمان ۲۵ ساله و کلاً در سفارت شوروی در تهران بود. او از اعضای برجسته بخش "اس" در سازمان اطلاعات شوروی، "کا.گ.ب" و سرپرست سازمان موران و همکاران شوروی در ایران بود که بعضی اعضای حزب توده، حزب کمونیست ایران نیز در میان آنها بودند.

کوزیچکین از ایران به انگلستان فرار می کند و در آنجا پرونده های حاوی نام و مشخصات تمام شبکه های سوسی.کا.گ.ب در ایران را به مقامات ضدجاسوسی انگلستان تسلیم می کند.

سازمان ضدجاسوسی انگلستان پس از بازرجویی های مکرر از کوزیچکین در یک خانه روستایی در ساکس، که ما همواره به طول می انجامد، به او اجازه می دهد که به آمریکا برود و مورد بازجویی "سیا" قرار گیرد. سرورنده سازمان کا.گ.ب. در ایران به سیا نیز داده می شود، بنابراین گزارش های او و شناسایی او از مدت کوتاهی بنا بر تصمیم مشترک سازمان سیا و سازمان ضدجاسوسی انگلستان، این پرونده به مقامات جمهوری اسلامی تسلیم می شود. عملیات دستگیری در ایران به سرعت آغاز می شود. گفته می شود حدود ۲۵۰۰ موروجاسوس اعدام می شوند و ۱۸ دیپلمات شوروی از تهران اخراج می گردند. شبکه کا.گ.ب. در ایران از هم می گسند.

اکنون که ریکان بر سر ماجرای معامله اسلحه برای آزادسازی گروگان ها مورد

انتقادهای روزافزون قرار گرفته است، ما برای کوزیچکین نیز از زود محافل دولتی و شناسایی مطرح شده است. چرا که نشان می دهد که آمریکا از سال ها پیش با رژیم خمینی دادوستدهای پشت پرده داشته است.

به گفته مسئولان دولتی آمریکا، این یکی از جمله اقداماتی است که برای بدست آوردن دل مقامات جمهوری اسلامی و گامی از تنش بر سر شوروی در کشور که با شوروی هم مرز است و برای غسب ارز استراتژیک مهمی دارد، صورت گرفته است.

کوزیچکین پیش از آنکه به انگلستان فرار کند مدت ۵ سال در ایران کار کرده بود. او سرپرست سازمان نفوذی کا.گ.ب. بود. یعنی آن دستهای از اتباع شوروی که برای گسار در زیر پوشش های دیگروبا نام های جعلی تربیت شده اند تا در نقاط کلیدی حکومت ها و صنایع دفاعی کشورها نفوذ کنند و در ایران، ما موران سطح پایین خود را از میان ایرانی ها انتخاب می کنند.

کوزیچکین بدستور ایران سفر کرده با گروه های عشاری و بلات روابطی برقرار کرده بود. مسلم است که او جاسوس دو جانبه ای بوده است که بیشتر برای انگلستان کار می کرده است. و در نتیجه بنا نهاده شدن به انگلستان لازم بوده است چرا که در غیر این صورت جانن بخطر می افتاد.

تایمزلندن - ۲۱ نوامبر ۸۶

مشتی از خروار

هفته نامه دفاعی جینز جاپ لندن، در شماره تازه خود نوشت: سلاح های که جمهوری اسلامی از آمریکا خریداری کرده است، تنها بخشی از خروار و گوشه های آن سلاح های است که رژیم تهران بطور پنهانی از دیگر

کشورها و سازمان های بین المللی خریداری شده است.

به نوشته هفته نامه "جینز" در ۲ سال گذشته طی مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی میلباردها دلار صرف خرید موشک، هواپیما، تانک و قطعات بدگسی از شرکت های اروپایی، اسرائیلی، کشورهای شرقی و آمریکای جنوبی کرده است.

جینز می نویسد: جمهوری اسلامی مقادیر معتدله ای اسلحه از کشورهای کره شمالی، چین، برزیل، سوریه، آرژانتین، لیبی، بلژیک، ترکیه و اسرائیل خریداری کرده است که از طریق بنادر چین و کره شمالی و سوریه به ایران رسیده است.

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی حتی تانک ها و قطعات توپخانه خود را گسند و سال پیش به جنگ عراقی ها افتاده بود. با صرف مبلغ هنگفتی از بازار سیاه اسلحه بین المللی با خریدار است. واسطه های این کار چندین عرب و سوئیسی بوده اند و جمهوری اسلامی برای با خرید سلاح های خود از عراقی ها صد میلیون دلار پرداخت کرده است.

چین کمونیست هم به جمهوری اسلامی و هم به عراق اسلحه فروخته است. چین از آغاز جنگ تا سه سال پیش معادل ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه به عراق داده است و سال گذشته تراشده ای به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار با رژیم تهران امضاء کرد که بر اساس آن تراشده ۵۰ هواپیمای شکاری ژ-۷ که نوع چینی هواپیمای شکاری ۱۲ است به همراه تانک و موشک زمین به هوا است جمهوری اسلامی بفروشد. تا بحال حدود ۲۵ شکاری چینی از طریق پاکستان به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

رژیم خمینی تعداد زیادی موشک ضد تانک آمریکا را نیز از قاچاقچیان اسلحه و از طریق کشورهای اروپایی خریداری کرده است. بهای هر یک از این موشک ها بطور عادی معادل ۶ هزار دلار است اما جمهوری اسلامی برای خرید هر یک از آنها ۱۶ هزار دلار پول داده است.

هفته نامه دفاعی جینز، همچنین می نویسد: که دولت کمونیستی ویتنام، در تیرماه سال یک تراشده ۴۰۰ میلیون دلاری با جمهوری اسلامی امضاء کرده است که بر اساس آن تراشده ۸۰ تانک ۱۲ شکاری اف-۵ و مقادیر زیادی مهمات و قطعات بدگسی را که آمریکا طی جنگ ویتنام در آن کشور بجا گذاشته جمهوری اسلامی تحویل دهد.

نقض قوانین

پس از آن که در آمریکا فاش شد و جو حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، صرف کف به شورشیان نیکارا گوشه شده است، بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا اعلام کردند که در این میان قوانین آمریکا زیر سؤال گذاشته شده است.

وزارت دادگستری آمریکا بدستور رونالد ریگان، رئیس جمهوری آن کشور تحقیقاتی را آغاز کرده است تا معلوم شود احتمالاً کدام یک از قوانین آمریکا نقض گردیده است. این قوانین عبارتند از:

- ۱- قانون کنترل صادرات، بر اساس این قانون، فروش کالا به هر کشور ممنوع است.
- ۲- قانون کنترل صادرات جنگ افزار، بر اساس این قانون، هرگونه صادرات جنگ افزار که ارزش آن از ۱۴ میلیون دلار تجاوز کند یا دیدار اطلاع کنگره انجام گیرد.
- ۳- قانون امنیت ملی که از سال ۱۹۴۷ میلادی تا ظرف رعایت های سازمان "سیا" است. بر اساس این قانون، کلیه عملیات مخفی سازمان "سیا" باید قبلاً به اطلاع کنگره برسد. چنانچه دولت از نظر رعایت مصالح امنیتی نتواند این قانون را رعایت کند موظف است ظرف فرصتی محقول موضوع عملیات را به اطلاع کنگره برساند.



عامل خرابکاری

روزنامه حریت چاپ ترکیه اظهارات "علی کنت" عامل جمهوری اسلامی را که قصد خرابکاری در ایران کشور داشته است، انتقاد داده است.

به نوشته حریت، علی کنت که بیست سال پیش از ایران به ترکیه رفته و تابعیت این کشور را پذیرفته است، مسئول خرابکاری خارجی در ادیوتلوویزیون این کشور بود.

وی در دادگاه اعتراف کرد که قصد داشته است با کمک جمهوری اسلامی سازمان جهاد اسلامی ترکیه را به جنگ مذهبی شیعه و سنی بکشانند. علی کنت که در دادگاه از ایران با عبارت "کشور من" یاد می کرد، گفت به لحاظ آنکه سیواس از نظر مذهبی محیط مساعدی برای فعالیت های ما بود، این شهر را به عنوان مرکز فعالیت انتخاب کردیم.

روزنامه حریت نوشته است: علی کنت رابط و معاون اول یک جاسوس مسوری بنام عامری بود. علی کنت از طریق های که قرار بود توسط جمهوری اسلامی و جهاد اسلامی در ترکیه به مرحله اجرا در آید، اطلاعات دقیقی به ما موران امنیتی ترکیه داده است. وی در جریان بازرجویی ها اظهار داشته است: من ما موران رابط بودم، قرار بود که از

پشتیبان تروریسم

جان وایت هد معاون وزارت امور خارجه آمریکا تا بیاید کرد که وزارت خارجه آمریکا در تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی کوچکترین نقشی ایفا نکرده است.

وی که در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا سخن می گفت عملاً مخالفت وزارت خاندی متبوعش را با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی که از سوی کاخ سفید تصمیم گیری شده بود اعلام داشت.

وی گفت: وزارت خارجه ای آمریکا هنوز هیچگونه تصویر روشنی از آنچه در این زمینه به وقوع پیوسته است ندارد.

وایت هد گفت اعمال شورای امنیت ملی باید مجدداً مورد بررسی قرار گیرد. و ما در وزارت امور خارجه، همواره با اقدامات این شورا دچار مسئله می شویم. وی درباره ی وزیر خارجه ای آمریکا گفت: در آغاز جورج شولتز در باره ی خط مشی های سیاسی مشورت می شد، اما پس از آن شولتزرا به صورتی بریده بریده از مسائل آگاه می کردند و سخنی از جزئیات نبود.

وایت هد مسئله ی بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در گروگان گیری

اتباع آمریکایی در لبنان دست دارد. وی افزود: من مایل نیستم سخنی بر خلاف گفته های رئیس جمهور بگویم، اما نظرم، همواره نشانهایی از رابط جمهوری اسلامی با تروریسم وجود دارد.

اعتراض رؤسای جمهوری

رؤسای جمهوری نیشلسن ایالات متحده آمریکا، جرالدفورد و جیمی کارتر، ریگان را با خاطر معامله پنهانی با جمهوری اسلامی قاطعانه مورد انتقاد قرار دادند.

جرالدفورد و جیمی کارتر که متفقا "ریاست کنفرانس بین المللی دموکراسی را بر عهده دارند

باشکده تلویزیونی ان.بی.سی ضمن اعتراض تدبیر رئیس جمهوری کنونی آمریکا اظهار داشتند که تحویل سلاح به رژیم جمهوری اسلامی به مثابه بیرون بستن باج برای آزادی گروگان ها بشمار می رود.

جرالدفورد اضافه کرد که با اینکار خود، ریگان حیثیت و اعتبار ایالات متحده آمریکا را نزد اروپا، آسیا و کشورهای عرب دوست خدشه دار کرده است.



نلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
 شماره ۲۲۱۰۶۶۸

حکومت شیطان‌ها

حکومت شیطان‌ها

بقیه از صفحه ۱

درین چند هفته، ابتدا زافشای رواسط بنیان و اشنگتن - تهران، دودولت مجبور شدند راجع به این قضیه توضیح بدهند. یکی دولت آمریکا بود، یعنی دولتی که آیت الله خمینی آن را مظهر خیانت شیطان‌ها معرفی می‌کند و دیگری جمهوری اسلامی.

در آمریکا، کسانی که بنحوی در جریان وقایع قرار داشتند، از رئیس جمهوری گرفته تا مشاوران وی، یکی بعد از دیگری در مقابل مردم ظاهر شدند و آنچه را گفتنی بود گفتند و دلایل خودشان را برای کارهایی که کرده بودند برشمرده و برخی گفتند کاری که شده درست بوده است، برخی گفتند اشتباه بوده است و بهر حال مسئولیت آن را بپذیرفتند.

این مال دولت، اما بشنویم از مردم و مطبوعات و مجلس.

با وجود آنکه رئیس جمهوری و مشاوران او حزی را مخفی نگذاشته‌اند، مردم آمریکا هنوز توضیحات بیشتری می‌خواهند. در نتیجه، کنگره آمریکا تحقیقات وسیعی را آغاز کرده است که ببیند آیا رئیس جمهوری و همکارانش در جریان این ارتباطات محرمانه مضموم "ارسال سلاح به ایران، از حدود قانون خارج شده‌اند یا اینکه در محدوده اختیارشان عمل کرده‌اند. در همین حال، مطبوعات آمریکا هر روز مطالب تازه تری کشف می‌کنند و گزارش می‌دهند و اکنون هر فرد ساده‌ای در آمریکا می‌تواند اطلاعات دقیقی از روز و ساعت و چگونگی تماس‌ها و نقلیه و اسلحه‌ها و میزان و نوع سلاح‌هایی که از طریق اسرائیل به ایران حمل شده است در اختیار دارد.

حال سببیم در آن سمت دیگر، یعنی در رژیم فتیان، در حکومتی که قانون خود را قانون قرآن و هدف خود را ترویج احکام و اخلاق اسلامی معرفی می‌کند، راجع به همین مسأله چه توضیح می‌دهند.

سرخ ارتباط با آمریکا را در جمهوری اسلامی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه موقت تهران بدست داشته است. بنا بر این کسی که می‌باید و می‌تواند راجع به این مسأله توضیح بدهد حجت الاسلام رفسنجانی است. اگر در رژیم آیت الله حداقل اصول اخلاقی رعایت می‌شد و این گروه عمامه سیاه و عمامه سفید و ریش دراز زور پهنی که به نام اسلام حکومت می‌کنند برای کارشان بکسر بردار و ریا استوار نمی‌بود این طور مثل روبا ه دشمن در تله گیر نمی‌کرد. اما چون دروغ را پایه کارشان قرار داده‌اند برای اینکه یک دروغ را قابل فهم کنند مجبورند دروغ بزرگتری جاشنی آن بزنند.

آقای رفسنجانی می‌توانست در کمال سهولت به مردم ایران توضیح بدهد که بلی، مادر حال جنگ هستیم و به اسلحه احتیاج داریم و چون درین چند سال برای بدست آوردن سلاح‌های آمریکا بی‌ا زار سیاه هزار جور کلاه سرمان رفت و بیشترین بها را پرداختیم و در مقابل سلاح‌های فرسوده و گاهی آهن با ره تحویل گرفتیم، آخرش به این نتیجه رسیدیم که بهتر است مستقیماً "با آمریکا" ما وارد معامله شویم.

در دنیا امروز، با این همه وسائل ارتباطی که هست نمی‌شود چیزی را که مردم پنج قاره فهمیده‌اند از ملت پنهان کرد ولی رژیم آخوند‌ها این را نمی‌فهمند و چنان در کذب دروغگوئی و ریاکاری غرق شده است که نمی‌تواند حتی بمصلحت خودش یک کلمه حرف راست بزند. نتیجه اینکه آقای رفسنجانی، در حالی که لباس زهد و تقوی، لباس تقدس و روحانیت در بر دارد، برای اینکه قضیه ارتباط با آمریکا را مستمالی کند،

در گفتگوی آمریکا



ساعت‌ها چشم در چشم مردم دروغ‌بهم می‌بافد و دروغ‌های او در دنیا منعکس می‌شود و اهل عالمات و منبهوت میشوند که مگر ممکن است یک روحانی اینطور بیشترمانه دروغ بگوید و یک حکومت مذهبی که آیت الهی در آن واقع است در مقام نیرنگ بازی و جعل و تزویر تا این درجه گستاخ باشد؟

حجت الاسلام رفسنجانی می‌گوید در جواب ژاپنی‌ها، ما گفتیم که با ورنمی‌کنیم در لبنان گروه‌گانی آمریکا بی‌وجود داشته باشد. این ادعای آمریکا بی‌است و در صورتی که ادعای آن‌ها صحت داشته باشد خودشان گروه‌گانی را نگیرند و اگر نگیرند، بعد از مدتی که ما نخواستیم و ما نخواستند و نخواستیم و گفت و گو کردیم آن وقت ما بپوش بپوش فهمیدیم که در لبنان گروه‌گانی هست. تا آن وقت واقعاً نمی‌دانستیم. ... با زیبا و برو و بگو و بشنو، تا یک روز خبردار شدیم به وسیله هواپیما بی‌که برای ما اسلحه آورده بود پنج نفر را لباس خدمه هواپیما و گذرنامه‌های مجعول ایرلندی وارد تهران شده‌اند و می‌گویند ما آمریکا هستیم و از طرف آقای ریگان بیغام آورده‌ایم، ما ساعت ونیم آن‌ها را در فرودگاه منتظر کردیم و با دوستانمان جلسه تشکیل دادیم و مسأله را با عرض حضرت امام رساندیم و

امام فرمودند با اینها مذاکره نشود، بیامشان راهم نگیرید، آن‌ها را به هتل منتقل کردیم و در هتل یکی از آنها گفت که مک‌فارلین است و یکی دوفرد دیگر هم از مشاوران آقای ریگان هستند. با سپورت‌های آن‌ها را گرفتیم. عکس‌ها درست است. یعنی قیافه به قیافه مک‌فارلین می‌آید و ممکن است همان باشد. البته ما هنوز مطمئن نیستیم که صد درصد آنها باشند چون کسی درست با آنها صحبت نکرد که بفهمد این‌ها واقعا همان‌ها هستند یا نه !!

این خلاصه داستان است که حجت الاسلام والمسلمین، رئیس مجلس شورای اسلامی از ماجرای تماس‌های محرمانه با آمریکا و سفر مک‌فارلین به تهران سرهم‌بافته و تحویل است اسلام داده است. آقای رفسنجانی وجود گروه‌گانی آمریکا را در لبنان با ورنمی‌کند، وساطت اسرائیل را بین واشنگتن و تهران با ورنمی‌کند، هویت مک‌فارلین را با ورنمی‌کند و کسی انتظار دارد است اسلام داستان فکاهی او را باور کند!

در مطبوعات جمهوری اسلامی، جزمین مهملائی که سرکردگان رژیم تحویل داده‌اند خبر دیگری دیده نشده‌اند و هنگامی که تندی چند نمایندگان مجلس بخود جرات می‌دهند و زوزیر خا رسنه دعوت می‌کنند توضیحات بیشتری راجع به این ارتباطات پنهان در اختیار مجلس بگذارند حضرت امام شومی زندکده این فتولی‌ها به مجلس نرسیده است. و کلا سئوال‌ها را بی‌می‌گیرند و رئیس مجلس می‌گوید اکثریت نمایندگان نامشئی نوشته‌اند و خواسته‌اند به عرض امام برسانیم فتولی معدودی و کیل وظیفه‌ناشناختن آن‌ها را شرمند کرده است و استدعای عفو دارند!

این حکومت رحمانی است و آن حکومت شیطان‌هاست. این طرز حکومت کردن فقهاء و علمای اسلام است که آیه‌های متعددی قرآن مجید را در باره عذاب دروغگوئی و فریبکاران مکرر خوانده‌اند و آن طرز حکومت کردن در کشوری که به قول این بزرگواران فساد سراپایش را گرفته‌اند و از اخلاق انسانی اثری در آن باقی نمانده است!

تا در به پذیرش بیما را ن مطابق با ظرفیت خود نیستند، به عنوان مثال بیما رستان کودکان در تهران که با نصدتخت دارند، نمی‌توانند پیش از نشت بیما را بپذیرند. این امر باعث درگیری روزمره مردم با پزشکان و کارکنان بیمارستان‌ها می‌گردد. عوام رژیم با خصومت آشکاری که با پزشکان و کارکنان رسته‌های پزشکی دارند، با احتکار دارو و بیجا دکمی‌سود مصنوعی بیشتر به این درگیری‌ها می‌زنند و می‌خواهند از این طریق مردم را رودر روی پزشکان قرار دهند. از سویی جنگ به دست رژیم بیما شده‌ده است که به عنوان نیاز "لشکرکشی" و سایر جراحی‌ها در زمانی و دارو و کاسلا" در اختیار بگیرند و از سوی دیگر آنها را به دست عا ملان خود به زاریا ه لوازم پزشکی سرا زبیری کنند. بیما رستان‌های خصوصی در بسیاری موا ردا جا را زیستگان بیما رمی خوا هند که خودمایل لازم را از با زاریا ه خریداری کنند.

نشانی: QYAM IRAN C/O C.H. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

مستقل علیه فرودگانی که در افغانستان به اشغال با سدا ران در آمده بود عمل کرد و آن را از جنگ با سدا ران خارج ساخت. از آن زمان درگیری‌های پراکنده بین نیروهای ارتش و پاسدا ران ادامه دارد. افشای مسأله مخفیانه مک‌فارلین به تهران و مذاکرات وی با مسئولان جمهوری اسلامی این اختلافات و درگیری‌ها را تشدید کرده است.

کمبود وسایل درمانی

به گزارش منابع داخلی، درگیری رژیم با پزشکان و کمبود وسایل درمانی، بیما رستان‌های خصوصی را در معرض تعطیل قرار داده است. بیما رستان‌های خصوصی که با کمبود وسایل و تجهیزات درمانی مواجه‌اند،

به همین دلیل نیاز به وسایل پزشکی بسیار افزایش یافته است و با توجه به کمبود آن بهای لوازم پزشکی سرسام‌آور شده است.

از سوی دیگر کمبود نفت و بنزین و حتی ما زوت همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از کشتیهای عمده‌سوی اسلامی در شرکت کمبود ما زوت در بنادر جنوب متوقف مانده‌اند. بهای نفت در بیازار سیاه به لیتری ۶ تومان رسیده و کوپن بنزین به مبلغ ۳۵۰ تومان خریده و فروش می‌شود که عملاً بهای بنزین را به لیتری ۱۴ تا ۱۵ تومان رسانده است. در استان‌های شمال کشور، آذربایجان و جنوب نفت و بنزین فوق‌العاده نایاب است. به گزارش عناصر صرملی، از سه ماه پیش تا بحال درگیری‌های پراکنده بین سیاه پاسدا ران و نیروهای ارتش همچنان در افغانستان ادامه دارد. بر اساس آیین گزارش‌ها، سیاه سیاه هوا شبروزبط‌سور

مشکل نفت و بنزین

تصفیه ناقص بنزین در پالایشگاه‌های جمهوری اسلامی باعث آلودگی هوا و خرابی سریع اتومبیل‌ها می‌شود. عناصر صرملی از درون وزارت نفت جمهوری اسلامی گزارش داده‌اند که به علت زکا را فسادن تشکیلات تصفیه در پالایشگاه‌ها، عمده تصفیه بطور ناقص انجام می‌گیرد. به همین دلیل میزان سرب موجود در بنزین بسیار بیشتر از میزان استاندارد بین‌المللی است. این امر باعث بوی بد بنزین می‌شود. کارآئی آن را کم می‌کند و سرب بیجا مانده در سلنسلرها اتومبیل‌ها را به سرعت خراب می‌کند و سوختن آن باعث آلودگی هوا می‌شود. به گفته عناصر صرملی در وزارت نفت، در حال حاضر به هیچ وجه روغن اتومبیل‌ها در داخل کشور تولید نمی‌شود بلکه روغن‌های سوخته در پالایشگاه‌ها بطور ناقص تصفیه می‌شود و دوباره بدست مصرف‌کننده می‌رسد. این امر نیز خرابی و استهلاک اتومبیل‌ها را بیشتر می‌کند.

ایران هرگز نخواهد مرد

جزئیات نبود. وایت‌هد مسئله‌ی بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در پرونده‌های کبری

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

اسلامی در ترکیه به مرحله اجرا درآید، اطلاعات دقیقی به ما موران امنیتی ترکیه داده است. وی در جریان با زجوشی‌ها اظهار داشته است: من ما موران ارتباط بودم. قرار بود که از

